فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی ٤، بهار ١٤٠٤، صفحات٦٤-٣١

مقاله پژوهشی

الگوی تغییرات فرهنگی زندگی عشایر قشقایی در چهار دهۀ اخیر در اصفهان

محمدنبی قاسم‌پور[١]؛ علی مرادی[٢]؛ مجید رادفر[٣]

تاریخ دریافت: ١٤٠٣/١٢/١٠ تاریخ پذیرش: ١٤٠٤/٠٣/١٢

چکیده

عشایر در دهه‌های اخیر به دلایلی چون جهانی شدن و رشد شهرنشینی، تغییرات فرهنگی قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. این تغییرات هم تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی بر زندگی آن‌ها داشته است. از یک طرف، دسترسی به فناوری‌های جدید و قرار گرفتن در معرض فرهنگ‌های دیگر می‌تواند زندگی عشایری را غنی کند، از سوی دیگر، از دست دادن روش‌های سنتی زندگی و فشار برای تحریک به فرهنگ‌های غالب می‌تواند منجر به فرسایش و حتی انقراض میراث فرهنگی عشایر شود. هدف اصلی این مطالعه، الگوی تغییرات فرهنگی زندگی عشایر قشقایی در چهار دهۀ اخیر در اصفهان می‌باشد. این مطالعه با استفاده از رویکرد کیفی انجام گرفت. جامعۀ مورد مطالعۀ این پژوهش افراد بالای ٦٠ سال بودند و اطلاعات از افرادی که در ٤٠ سال پیش، حداقل ٢٠ سال سن داشته‌اند، گردآوری شد. برای تعیین حجم نمونه از نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید. حجم نمونه با ٣٣ نفر از بزرگان عشایر به مرحلۀ اشباع نظری رسید؛ اما جهت اطمینان از صحت اطلاعات تا ٤٠ نفر ادامه پیدا کرد. برای تفسیر اطلاعات گردآوری شده از روش کدگذاری نظریه زمینه‌ای استفاده گردید. در کنار این مهم، توصیفی آماری از وضعیت برخی شاخص‌های اقتصادی- فرهنگی عشایر قشقایی بر اساس داده‌های حاصل از سرشماری‌ها استفاده گردید. نتایج بخش کیفی نشان می‌دهد که تحولات فرهنگی در سبک زندگی عشایر در چهار مقولۀ اصلی شامل تحول در الگوهای ارتباطات اجتماعی، دگرگونی نظام‌های نمادین و آیینی، تغییر در نظام آموزشی و تحول در هویت فرهنگی آنان رخ داده است.

واژه‌های کلیدی: اصفهان؛ ایل قشقایی؛ تغییرات فرهنگی؛ زندگی عشایری.

[١]. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.
mohammad.nabi0064@gmail.com

[٢]. استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسندۀ مسؤول).
a_moradi2020@iau.ac.ir

[٣]. استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. Majid.Radfar@iau.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

مقدمه و طرح مسأله

پویایی فرهنگی جوامع عشایری همواره موضوعی کلیدی برای انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مورخان بوده است. فرهنگ ایلات با تعامل پویایی‌های داخلی و تأثیرات خارجی، تغییرات قابل‌توجهی را تجربه کرده است. در دوران معاصر، عوامل اصلی این تحولات شامل مدرنیته، جهانی‌شدن و شهرنشینی هستند که از طریق ادغام در بازار جهانی، رشد صنایع، فناوری‌های ارتباطی نوین، وسایل حمل‌ونقل عمومی، گسترش آموزش و بوروکراسی دولتی، ساختارهای سنتی عشایری را دگرگون ساخته‌اند. بنابراین جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی عشایری زمینه‌ای پیچیده و چندبعدی با چالش‌های منحصربه‌فرد است.

در دهه‌های اخیر، جامعه عشایری ایران دگرگونی‌های عمیقی را پشت سر گذاشته که پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی شتاب بیشتری یافته است. نشانه‌های اصلی این تغییرات عبارتند از: فروپاشی ساختار متمرکز قدرت ایلی، کاهش مدت و تغییر سازماندهی کوچ با استفاده از وسایل نقلیه موتوری و جاده‌های مدرن، جدایی خانوارها از رمه، تسریع یکجانشینی و اسکان، مهاجرت گسترده به شهرها، تشکیل خانواده‌های هسته‌ای مستقل و کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی. این تحولات نه‌تنها فرهنگ، بینش و نگرش افراد را تغییر داده، بلکه هویت قومی را تحت تأثیر قرار داده و به ادغام فرهنگ محلی در جریان جهانی منجر شده است؛ فرآیندی که گاه هویت‌های فراملی را بر هویت‌های قومی و ملی غالب می‌سازد و می‌تواند به اختلال در برخی آداب و رسوم بیانجامد.

استان اصفهان نیز از این تغییرات متأثر بوده است. این استان به‌عنوان بزرگ‌ترین استان کشور، قطب اکوتوریسم و دارای جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی غنی، بستری مناسب برای بررسی این تحولات فراهم می‌آورد. اهمیت پژوهش حاضر در رویکرد انسان‌محور آن نهفته است که پیامدهای تغییرات اجتماعی را بر نظام معنایی و ذهنیت عشایر قشقایی بررسی می‌کند و تجربیات زیسته واقعی آنان را مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین، ضرورت پژوهش حاضر از چندین منظر قابل دفاع است: نخست، افزایش دانش علمی درباره مواجهه جوامع محلی با جهانی‌سازی و مدرنیزاسیون؛ دوم، بررسی تغییرات فرهنگی از دیدگاه خود عشایر؛ سوم، تصویرسازی تجربیات زیسته قشقایی‌ها از دگرگونی‌های سازمان ایلی؛ و چهارم، تبیین الگوی جامعه‌شناختی تغییرات فرهنگی ایل قشقایی در چهار دهه اخیر در اصفهان از منظر نخبگان و مردم محلی. بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که تغییرات فرهنگی زندگی ایل قشقایی در چهار دهۀ اخیر در اصفهان به لحاظ جامعه‌شناختی چگونه بوده است؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

پیشینۀ پژوهش

ساعدی (۱٤۰۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی عناصر دراماتیک در آیین‌های ایل قشقایی با توجه به نظریۀ ریچارد شکنر» با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی نشان داد آیین‌های ایل قشقایی شامل رسوم، مراسم و سنت‌های غنی است که از نظر اجتماعی و فرهنگی بسیار ارزشمند است و بخش مهمی از هویت قومی آنان را تشکیل می‌دهد. با این حال، اکثر قشقایی‌های کوچ‌نشین امروزه به شهرنشینی روی آورده‌اند و احتمالاً در آیندۀ نزدیک، سبک زندگی سنتی، همراه با بسیاری از آداب و رسوم، فولکلور و آیین‌های این ایل به فراموشی سپرده خواهد شد.

بهمنی (۱٤۰۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فرهنگی پوشاک و زیورآلات زنان عشایر ایل قشقایی استان فارس با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان» نشان داد که زنان در فرهنگ عشایر ایل قشقایی، با توجه به اصول و اعتقادات مذهبی و هنجارهای سنتی و اجتماعی؛ قواعد و رسوم خاصی را در پوشش خود رعایت می‌کنند. از منظر وی پوشاک زنان عشایر قشقایی تبدیل به نمادهای فرهنگی شده است، به‌طوری که پوشاک آن‌ها به ساختاری پایدار تبدیل گردیده است و سالیان سال است که نوع پوشش، سبک زندگی، زبان و فرهنگ آن‌ها نسبتاً دست‌نخورده باقی مانده است و آن‌ها را از اقوام دیگر متمایز کرده است.

جعفرلو (۱٤۰۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی فرهنگ عامیانۀ کوچ‌نشینی در رمان‌هایی با موضوعیت عشایر قشقایی (مطالعۀ موردی: رمان‌های ظلمت، مهری، ماهی نقره‌ای»، نشان داد که شعر و شاعری در میان قشقایی‌ها جایگاه بالاتری نسبت به ادبیات داستانی دارد.

دره شوری‌پور (۱٤۰۱) در پژوهشی با عنوان «از اسطوره تا آواز؛ نقش اسطوره در شکل‌گیری موسیقی آوازی ایل قشقایی»، با هدف اینکه گامی برای اعتلاء موسیقی قشقایی باشد با رویکرد اسطوره‌ای، با مطالعات توصیفی به همراه تحقیقات میدانی به جمع‌آوری تعداد (۹۰) نمونه از اشعار به جا مانده در حافظۀ سالخوردگان ایل مبادرت ورزیده است، سپس به بررسی اسطوره‌های حماسی، عاشقانه، مذهبی و ویژگی‌های آن‌ها پرداخته است و با تطابق آن‌ها با اساطیر ترک‌های قشقایی و تأثیراتش بر موسیقی آن‌ها نشان داد که در بین قشقایی‌ها حماسه و دلاوری بسیار مورد توجه است؛ بخش اسطوره نیز تأثیر اساطیر ترک بسیار بیشتر از اساطیر ایران باستان در موسیقی قشقایی خود را نشان می‌دهد، زیرا آن‌ها به دلیل تعصبات، توجه کمتری به اساطیر سایر اقوام داشتند.

حاجی‌ناصری و یزدان‌پناه (۱٤۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی- نهادی آموزش عشایری در ایران: مطالعۀ موردی ایل قشقایی» استدلال کردند که شکل‌گیری آموزش و پرورش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

عشایری در ایران تحت تأثیر ذهنیت روشنفکران و سیاست‌مداران ایرانی نسبت به مسألهٔ ایلی و ساختار قدرت دولت قرار داشته است و به تغییرات اجتماعی و فرهنگی منجر شده است که شامل تمرکز قدرت به نفع دولت مرکزی، زوال قدرت و سلسله مراتب ایلی، ادغام عشایر و همبستگی هویتی بوده است.

شبان‌پیشه (١٣٩٤) در پژوهشی با عنوان «مطالعهٔ تغییرات فرهنگی در عشایر اسکان‌یافتهٔ ایل قشقایی» به این نتیجه رسید که تغییرات فرهنگی در حوزهٔ فرهنگ مادی به بهبود سطح زندگی عشایر قشقایی منجر شده است. این بهبود شامل ارتقاء بهداشت، باسوادی، آموزش مدرن، امکانات رفاهی و تعاملات اجتماعی است که باعث ارزیابی مثبت آن‌ها از تغییرات فرهنگی می‌شود. با این حال، فرهنگ غیرمادی آن‌ها، شامل اعتقادات دینی و آداب و رسوم، تحت تأثیر رسانه‌ها و فرصت‌های شغلی جدید تضعیف شده است. عشایر از شرایط پیش آمده ابراز ناراحتی می‌کنند، اما در برابر این تغییرات، مقاومتی نشان نمی‌دهند و آن‌ها را غیرقابل اجتناب می‌دانند.

ریاحی و عابدینی‌راد (١٣٩٠) در پژوهشی با عنوان «اسکان عشایر و بازتاب‌های فرهنگی» نشان دادند که اسکان عشایر، در ابزار، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی تغییراتی ایجاد کرده است. به‌رغم بهبود نسبی در دسترسی و استفاده از ابزار فرهنگی به‌ویژه رسانه‌ها بسیاری از ارزش‌ها، باورها و نمودهای فرهنگی سابق کمرنگ شده است و تحت تأثیر زندگی یکجانشینی، با فرهنگ‌های شهری و روستایی جایگزین گردیده است.

بوتوکانووا[4] و همکاران (٢٠٢٤) در پژوهشی با عنوان «دگرگونی آگاهی پساکوچ‌نشینان در بستر جهانی‌شدن» دریافتند که جهانی شدن جنبه‌های مختلف جامعهٔ سنتی را تغییر داده است که یکی از پیامدهای آن، از دست دادن سنت‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی و منحصر به فرد بودن مردمان کوچ‌نشین، پس از کوچ‌نشینی است. از دیدگاه آن‌ها، هویت فرهنگی کوچ‌نشینان پس از کوچ‌نشینی، با سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط زندگی مدرن، همچنان مهم است و معرفی توسعهٔ اصیل، به شکل ترکیبی هماهنگ از سنت‌ها و نوآوری‌ها، برای بهبود استانداردهای زندگی، مناسب‌تر است.

توگجامبا[5] و همکاران (٢٠٢٣) در پژوهشی با عنوان «تطبیق دامداری عشایری با تغییرات اقلیمی» نشان دادند که تغییرات اقلیمی با دگرگونی در بارش و افزایش رخدادهای شدید، معیشت دامداران عشایر را تهدید کرده است و چالش‌هایی چون کاهش منابع آب و تخریب مراتع ایجاد

[4] Botokanova

[5] Tugjamba

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

کرده است. راهبردهای سازگاری آنان شامل جابه‌جایی، بهبود دسترسی به آب و خوراک، تغییر ترکیب گله و تنوع معیشت است، اما محدودیت‌های اجتماعی و اقلیمی مانع حرکت آزادانه می‌شود. از دیدگاه آن‌ها، سازگاری عشایر به‌طور عمده محلی و کوتاه مدت بوده است و با تشدید تغییرات اقلیمی احتمال تحولات عمیق‌تر افزایش می‌یابد.

جینگ[۶] و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تغییرات و توسعۀ فرهنگ سنتی مردم عشایر – مطالعۀ موردی نادام در شهرستان هنان از استان چینگ‌های در فلات چینگ‌های-تبت» نشان دادند که نشانگرهای فرهنگی، مانند مسابقات اسب‌دوانی، اجرای فرهنگی و تعامل در جشنوارۀ نادام، ارتباط عاطفی سطح بالایی را با بازی ایجاد می‌کنند و در نتیجه همبستگی درونی در جامعۀ قومی و اعتماد به فرهنگ قومی را تقویت می‌کنند. تغییرات در اهمیت نادام همچنین یک فرآیند تحول سرمایۀ فرهنگی به منظور دستیابی به هماهنگی بین فرهنگ قومی سنتی و بازار مدرن برای دستیابی به وحدت توسعۀ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

اینگلهارت[۷] (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «نوسازی، امنیت وجودی و تغییر فرهنگی: تغییر شکل انگیزه‌های انسانی و جامعه» به این نتیجه رسید که در سال‌های اخیر، افزایش امنیت اقتصادی و فیزیکی باعث تغییر ارزش‌ها و انگیزه‌های انسانی و در نتیجۀ تحول جوامع شده است. ناامنی اقتصادی و فیزیکی موجب بیگانه هراسی، همبستگی درون‌گروهی قوی و سیاست‌های اقتدارگرایانه می‌شود، در حالی که شرایط امن به تحمل بیشتر نسبت به گروه‌های بیرونی و پذیرش ایده‌های جدید منجر می‌گردد. او معتقد است که مدرنیزاسیون امنیت را افزایش داده است و تغییرات فرهنگی گسترده‌ای را در کشورهای توسعه یافته به وجود آورده است.

پژوهش‌های پیشین دربارۀ فرهنگ ایل قشقایی به‌طور عمده بر جنبه‌های موضوعی مانند آیین‌ها و رسوم، پوشاک و نمادهای زنان، نقش شعر و موسیقی، یا تأثیرات اسکان و شهرنشینی بر ارزش‌ها و باورها متمرکز بوده است و تغییرات فرهنگی را اغلب به‌صورت مقطعی، توصیفی یا موضوع‌محور بررسی کرده‌اند. مطالعات بین‌المللی نیز بیشتر به روندهای کلی نظیر جهانی‌شدن، تغییرات اقلیمی و نوسازی پرداخته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر، تمرکز بر الگوی تغییرات فرهنگی عشایر قشقایی در چهار دهۀ اخیر در استان اصفهان است. این مطالعه با بررسی همزمان ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ در بستر تاریخی-جغرافیایی مشخص، امکان تحلیل روندی و مقایسه‌ای

[6] Jing

[7] Inglehart

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

را فراهم می‌آورد و به درک ساختارمند و جامع از مکانیسم و علل تغییرات فرهنگی قشقایی‌ها در دوران معاصر منجر می‌شود.

ملاحظات نظری

تغییر فرهنگی به معنای تغییر در ایده‌ها، هنجارها و رفتار گروهی از مردم در طول زمان است (وارنوم و گروسمن[8]، ۲۰۱۷: ۲). منابعی مانند اقلیم و ویژگی‌های جغرافیایی به تدریج بر زمینه‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارند (دیاموند[9]، ۱۹۹۹؛ مک کللند[10]، ۱۹٦۱؛ تریاندیس[11]، ۲۰۰۹). تغییرات فرهنگی می‌توانند ناشی از عوامل اجتماعی و بوم‌شناختی باشند (بوید و ریچرسون[12]، ۲۰۰۵) و معمولاً تجمعی هستند، به این معنی که پس از هر تغییر، تغییرات بیشتری لازم است تا تغییرات اصلی تکمیل شوند (بوید و همکاران، ۲۰۱۱؛ کالدول[13] و همکاران، ۲۰۱٦؛ درسلر و کارنز[14]، ۱۹٦۹). جهانی‌شدن یکی از عوامل مؤثر دیگر در تغییرات فرهنگی در دهه‌های اخیر است که باعث شده است فرهنگ‌های مختلف بر یکدیگر تأثیر داشته باشند. دو مکتب فکری متضاد در این زمینه وجود دارد: مکتب اول، مبتنی بر نظریهٔ مدرنیزاسیون (اینگلهارت و بیکر[15]، ۲۰۰۰) معتقد است که جهانی‌شدن به همگرایی تفاوت‌های فرهنگی کمک می‌کند و شبکه‌ای از ارزش‌های فرهنگی مشترک ایجاد می‌کند که با فرهنگ‌های محلی در تعامل است (هرمانز و کمپن[16]، ۱۹۹۸). مکتب دوم بر پایداری ارزش‌های سنتی تأکید دارد و می‌گوید این ارزش‌ها قادر به مقاومت در برابر تغییرات اقتصادی و سیاسی ناشی از جهانی‌شدن هستند (دی ماجیو[17]، ۱۹۹٤).

رشد مهاجرت نیز از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات فرهنگی است. انطباق مهاجران با فرهنگ جدید، فرآیند پیچیده‌ای است که ممکن است سال‌ها طول بکشد (زورلو و هارتگ[18]، ۲۰۰۵). سازگاری اجتماعی- فرهنگی عامل اصلی این انطباق است و شامل یادگیری مؤلفه‌های رفتاری و شناختی برای موفقیت در محیط جدید است (وارد و کندی[19]، ۱۹۹۲). مهاجران تازه وارد معمولاً

[8] Varnum & Grossmann
[9] Diamond
[10] McClelland
[11] Triandis
[12] Boyd & Richerson
[13] Caldwell
[14] Dressler & Carns
[15] Inglehart & Baker
[16] Hermans & Kempen
[17] DiMaggio
[18] Zorlu & Hartog
[19] Ward & Kennedy

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

با شوک فرهنگی مواجه‌اند (اوبرگ[۲۰]، ۱۹۶۰) و ممکن است نتوانند رفتار و ایدئولوژی جامعۀ جدید را درک کنند (شیا[۲۱]، ۲۰۰۹) که می‌تواند منجر به افسردگی، اضطراب و احساس درماندگی شود (میو[۲۲]، ۱۹۹۹). این مشکلات یادگیری و سازگاری را دشوارتر می‌کند و مهاجرت معمولاً به فردگرایی و جدا شدن از گروه منجر می‌شود (پتراکیس[۲۳]، ۲۰۱٤). در نهایت، عدم سازگاری می‌تواند به بیگانگی و ناراحتی عاطفی منجر شود (هس[۲٤]، ۱۹۹٤). تغییرات فرهنگی در دهه‌های اخیر به پیری جمعیت نیز نسبت داده می‌شود که ناشی از پیشرفت‌های فناوری، کاهش مرگ‌ومیر و افزایش طول عمر است (سازمان ملل متحد[۲۵]، ۲۰۱۷). با گذشت زمان، مردم بیشتر از نظر اجتماعی مسلط، وظیفه‌شناس و دچار ثبات عاطفی می‌شوند (رابرتس[۲٦] و همکاران، ۲۰۰٦). سالمندان بیشتر به زمان حال گرایش پیدا می‌کنند و کمتر به آینده اهمیت می‌دهند. همچنین، سطوح اجتماعی سرزندگی و گشودگی به تجربه در اوایل زندگی افزایش می‌یابد و در سنین پیری کاهش می‌یابد (رابرتس و همکاران، ۲۰۰٦). این تغییرات فرهنگی، تدریجی و افزایشی هستند. تغییرات فرهنگی ناشی از شوک‌های خارجی، مانند بحران‌های مالی، نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. این بحران‌ها می‌توانند تغییرات فرهنگی را ایجاد یا تسریع کنند (درسلر و کارنز، ۱۹٦۹). این تغییرات می‌توانند بر سازگاری روان‌شناختی افراد با شرایط جدید تأثیر بگذارند و معمولاً سریع‌تر از تغییرات تدریجی رخ می‌دهند. در ادامه، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با تغییرات فرهنگی به طور مختصر بررسی خواهد شد.

نظریۀ تکامل فرهنگی به بررسی تعصباتی می‌پردازد که از طریق انتقال اطلاعات به تکامل فرهنگی کمک می‌کند. این تعصبات شامل سوگیری انطباق، سوگیری پرستیژ، تعصب خود همسانی و نوآوری هستند (بوید و ریچرسون، ۲۰۰۵؛ هنریچ[۲۷]، ۲۰۰۱؛ چودک[۲۸] و همکاران، ۲۰۱۵). تکامل فرهنگی می‌تواند از طریق مکانیسم‌های گروهی نیز رخ دهد و دیدگاه تکاملی فرهنگی به درک توسعۀ هنجارهای اجتماعی در جوامع کمک می‌کند. در جوامع با تهدیدات بیشتر، هنجارهای اجتماعی، قوی‌تر و مجازات‌ها شدیدتر هستند (گلفاند[۲۹] و همکاران، ۲۰۱۱).

---

[20] Oberg
[21] Xia
[22] Mio
[23] Petrakis
[24] Hess
[25] United Nations
[26] Roberts
[27] Henrich
[28] Chudek
[29] Gelfand

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

نظریهٔ بوم‌شناختی، برای مطالعهٔ تغییرات فرهنگی بر اساس ایده‌های بوم‌شناسی رفتاری شکل گرفته است و بر این باور است که امکانات و محدودیت‌های زیست‌محیطی منجر به الگوهای متمایزی از رفتارها، ارزش‌ها و هنجارها می‌شود. ابعاد بوم‌شناختی مانند کمبود یا فراوانی منابع، شیوع بیماری‌زا و تراکم جمعیت با تغییرات رفتاری مرتبط هستند و می‌توانند به تنوع فرهنگی کمک کنند (دیویس[۳۰] و همکاران، ۲۰۱۲). سایر رویکردهای بوم‌شناختی در روانشناسی فرهنگی بر ابعادی مانند تحرک مسکونی (اوشی[۳۱]، ۲۰۱٤) یا وسایل امرار معاش (تالهلم[۳۲] و همکاران، ۲۰۱٤) برای توضیح الگوهای تنوع فرهنگی متمرکز شده‌اند. چنین متغیرهایی به طور قابل تصوری به تغییرات فرهنگی کمک می‌کنند.

آنتونی گیدنز بر نقش پررنگ عوامل فرهنگی در دگرگونی‌های اجتماعی دوران معاصر تأکید دارد. به نظر او، در جوامع سنتی، رسوم و عادات صرفاً به دلیل پشتوانه اقتدار سنت پذیرفته می‌شوند، اما در جوامع مدرن، شیوه‌های زندگی نیازمند توجیه عقلانی و مبتنی بر استدلال و شواهد قانع‌کننده هستند و در صورت نیاز، باید تغییر یابند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۷۰۰). گیدنز تغییرات در تفکر و محتوای اندیشه‌ها را عامل مؤثر بر تحولات اجتماعی می‌داند و معتقد است اعمال و اعتقادات را نمی‌توان جدا از فرهنگ‌های گسترده‌تر فهمید. او ویژگی‌های عام فرهنگی مانند زبان پیچیده و نظام خانوادگی را در اکثر جوامع برجسته می‌سازد. همچنین، فرآیند اجتماعی‌شدن را مکانیسمی کلیدی برای تبدیل کودک به فردی خودآگاه و ماهر در فرهنگ خویش توصیف می‌کند که نسل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۲: ٨٦).

اینگلهارت، به بررسی تفاوت‌های فرهنگی و گرایش‌های اصلی مردم در جوامع مختلف و تفاوت نسل‌ها در دگرگونی فرهنگی می‌پردازد. او ارزش‌ها را به دو دستهٔ مادی و فرامادی تقسیم می‌کند. ارزش‌های مادی شامل نیازهای زیستی و امنیتی هستند و شامل مؤلفه‌هایی مانند حفظ نظم، مبارزه با افزایش قیمت‌ها و اطمینان از قدرت دفاعی کشور می‌شوند. در مقابل، ارزش‌های فرامادی به نیازهای فرازیستی انسان مربوط می‌شوند و شامل اعطای حق بیشتر به مردم، دفاع از آزادی بیان و تلاش برای بهبود کیفیت زندگی هستند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸۳). اینگلهارت معتقد است که ارزش‌های فرامادی ناشی از امنیت اقتصادی و جانی در دوران شکل‌گیری شخصیت فرد هستند و بر موفقیت اقتصادی تأکید نمی‌کنند. فرامادیون به کیفیت زندگی و کار معنادار اهمیت بیشتری می‌دهند و بیشتر تحصیل‌کرده هستند و به دنبال وجههٔ اجتماعی هستند. این تفاوت‌ها

[30] Davies
[31] Oishi
[32] Talhelm

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

منجر به نگرش‌های متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود، به‌طوری‌که مادیون بیشتر از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۱۵).

مباحث نظری ارائه شده، چارچوب مفهومی مناسبی برای تحلیل الگوی تغییرات فرهنگی عشایر قشقایی در چهار دهۀ اخیر در استان اصفهان فراهم می‌آورند. تعریف تغییر فرهنگی به عنوان تحول در ایده‌ها، هنجارها و رفتارها، همراه با تأکید بر عوامل بوم‌شناختی، جهانی‌شدن، مهاجرت و شوک فرهنگی، پیری جمعیت و تکامل فرهنگی، ابعاد گوناگون دگرگونی‌های مادی و غیرمادی این جامعه را تبیین می‌کنند. نظریه‌های گیدنز (تأکید بر عقلانیت مدرن در برابر اقتدار سنت) و اینگلهارت (گذار از ارزش‌های مادی به فرامادی) به‌ویژه در توضیح گذار از زندگی عشایری سنتی به الگوهای شهری و یکجانشین، همراه با تضعیف هنجارهای سنتی و تقویت فردگرایی، نقش محوری دارند. این چارچوب‌ها امکان درک روندی و ساختاری تغییرات فرهنگی قشقایی‌ها در بستر تاریخی–جغرافیایی اصفهان را فراهم می‌سازند.

روش تحقیق

روش پژوهش در این مطالعه از لحاظ رویکرد، کیفی است و از نظر گردآوری داده‌ها و اطلاعات لازم، توصیفی- تحلیلی است. جهت مطالعۀ زندگی عشایری به‌صورت کاملاً طبیعی استفاده از روش کیفی بهتر نتیجه می‌دهد. جامعۀ آماری در این مطالعه افراد بالای ٦٠ سال عشایر قشقایی استان اصفهان است. در این مطالعه، شیوۀ نمونه‌گیری، نمونه‌گیری نظری[۳۳] و نمونه‌گیری هدفمند[۳٤] است. مصاحبه با افراد جدید تا مرحلۀ رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرده است. با توجه به این که لازم بود با افرادی مصاحبه به عمل آید که حداقل ٤ دهه تجربۀ زیستۀ در زندگی عشایر داشته باشند و از طرفی در ٤٠ سال گذشته در سنی بوده‌اند که تجربه‌ای از این زندگی کسب کرده‌اند، بنابراین در این مطالعه افراد بالای ٦٠ سال مورد مطالعه بودند و اطلاعات از افرادی که در ٤٠ سال پیش، حداقل ۲۰ سال سن داشته‌اند، گردآوری شد.

در بررسی کنونی، محقق اگرچه با مصاحبه با ۳۳ نفر از مطلعین به اشباع نظری کافی دست یافت، اما نظر به اهمیت و گستردگی موضوع تحت مطالعه، مصاحبه‌ها را تا ٤٠ فقره ادامه داد. محقق علاوه بر استفاده از مطلعین و یا دروازه‌بانان جهت مصاحبه‌های لازم، از مشاهدۀ آزاد، مشاهدۀ مشارکتی و نیز بررسی اسناد و مدارک نیز استفاده کرده است. از آنجا که این جامعه بسیار تحت تأثیر محیط جغرافیائی خود قرار گرفته است، بنابراین، محقق، ضمن قرار گرفتن در مکان‌های جغرافیائی متفاوت برای درک بهتر و گسترده‌تر میدان مطالعه و ارتباط دادن ابعاد

[33] . Theoretical sampling
[34] . Purposeful sampling

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

متفاوت موضوع پژوهش، با ارائهٔ نمونه‌ها و تصاویری از وضعیت کوهستانی آن، می‌تواند وضعیت طبیعی آن را به شکل مناسبی نشان دهد. ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته است به این معنا که گفتگوی هدف‌دار دو جانبه‌ای بین یک مصاحبه‌کنندهٔ آموزش‌یافتهٔ مجرب و یک مصاحبه‌شونده و هدف آن، استنباط عمیق جزئیات غنی و مواد مهمی است که بتوان از آن‌ها در تجزیه و تحلیل استفاده کرد.

جدول شمارهٔ یک- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	ردیف	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل
۱	٦٨	مرد	لیسانس	نظامی بازنشسته	۲۱	۸٦	مرد	فوق دیپلم	بازنشسته شرکت نفت
۲	٧٤	زن	بیسواد	دامدار	۲۲	٧٣	مرد	دیپلم	دامدار
۳	٧٢	مرد	دیپلم	کشاورز	۲۳	٧٦	مرد	لیسانس	بازنشسته فرهنگی
٤	٨٦	زن	اکابر	دامدار	۲٤	٨٥	مرد	دکتری	بازنشسته دانشگاه
٥	٧٩	مرد	دیپلم	دامدار	۲٥	٧٩	زن	اکابر	دامدار
٦	٨٢	زن	بیسواد	دامدار	۲٦	٨٣	مرد	بیسواد	دامدار
٧	٦٩	زن	دیپلم	دامدار	۲۷	٨٠	زن	اکابر	دامدار
٨	٨٢	مرد	زیردیپلم	دامدار	۲۸	٦٦	مرد	دیپلم	کشاورز
٩	٨٠	مرد	دیپلم	دامدار	۲۹	٦٩	مرد	لیسانس	بازنشسته امورعشایری
۱۰	٧٨	مرد	کارشناسی ارشد	بازنشسته فرهنگی	۳۰	٧٥	زن	زیردیپلم	دامدار
۱۱	٧٧	زن	دیپلم	باغدار	۳۱	٧٤	مرد	زیردیپلم	دامدار
۱۲	٦٩	مرد	زیردیپلم	دامدار	۳۲	٦٤	مرد	دیپلم	دامدار
۱۳	٨١	مرد	دیپلم	دامدار	۳۳	٦٦	مرد	زیر دیپلم	نگهبان
۱٤	٧٠	مرد	دیپلم	باغدار	۳٤	٧٠	مرد	زیر دیپلم	دامدار
۱٥	٧٧	مرد	فوق دیپلم	پرورش زنبور عسل	۳٥	٦٨	مرد	دیپلم	چوبدار
۱٦	٧٣	زن	زیر دیپلم	دامدار	۳٦	٧٦	زن	دیپلم	دامدار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

ردیف	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	ردیف	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل
۱۷	٦٥	مرد	لیسانس	بازنشسته فرهنگی	۳۷	۹۱	زن	اکابر	دامدار
۱۸	٦۳	مرد	لیسانس	شرکت نفتی	۳۸	۸٤	مرد	بیسواد	دامدار
۱۹	۷۹	زن	زیر دیپلم	دامدار	۳۹	۷۹	زن	زیر دیپلم	کشاورز
۲۰	۸۸	مرد	فوق دیپلم	معلم	٤۰	۷٤	مرد	دیپلم	کشاورز

پس از گردآوری داده‌ها، فرایند طبقه‌بندی و سامان‌دهی اطلاعات انجام شد. مصاحبه‌های ضبط شده ابتدا پیاده‌سازی شدند و سپس پاسخ‌ها به تفکیک هر سؤال استخراج گردید. در مرحلۀ نخست تحلیل، داده‌های مصاحبه‌ای به صورت سطر به سطر و بر اساس سؤالات محوری پژوهش، با روش کدگذاری باز تحلیل شدند و مفاهیم اولیه از دل داده‌ها شکل گرفت. هم‌زمان، از داده‌های مشاهده‌ای برای تکمیل مفاهیم، انتخاب مناسب کدها و درک روابط میان آن‌ها استفاده شد. مفاهیم حاصل با یکدیگر مقایسه شدند و مفاهیم مشابه در قالب مقولات مرتبط، دسته‌بندی شدند. پس از استخراج مقولات، مرحلۀ کدگذاری گزینشی با هدف تعیین مقولۀ هسته انجام گرفت؛ به‌گونه‌ای که یا یکی از مقولات موجود به عنوان مقولۀ هسته انتخاب شد یا مقوله‌ای جدید برای پوشش مفهومی کل مقولات تعریف گردید. در نهایت، با انجام کدگذاری اولیه ۲۸ مفهوم و در مرحلۀ کدگذاری محوری، ٦ مقوله اصلی استخراج شد.

یافته‌های تحقیق

۱) چه تغییراتی در حوزۀ ارتباطات اجتماعی در زندگی عشایر قشقایی به وجود آمده است؟

یکی از جنبه‌های تغییر در زندگی عشایر قشقایی، حوزۀ روابط اجتماعی است. این حوزه ارتباط و تداخل زیادی با حوزۀ نظام خویشاوندی دارد زیرا اکثر ساکنان منطقه با یکدیگر پیوند خویشاوندی دارند و یا احساس تعلق خویشی می‌کنند. جدول ۲، مقولات استخراج شده عمده مربوط به تغییر در نظام تعاملی را نشان می‌دهد

جدول شمارۀ دو- مقولات استخراج‌شدۀ عمده مربوط به تغییر در نظام تعاملی

مقوله	مفهوم	تعداد	درصد
مشغولیت‌های اقتصادی	سختی معیشت، درگیری‌های شغلی، تلاش‌های کاری، روابط حساب‌شده	۳٦	۱٤/٤
رقابت	طمع‌ورزی، مقایسه و هم‌چشمی، حس زیاده‌خواهی، برتری‌جوئی، فردگرائی	۲۹	۱۱/٦

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

امکانات صوتی و تصویری	آمدن تلویزیون، سی دی، ویدئو، ماهواره، برنامه‌های متنوع	٢٦	١٠/٤
تحرک جغرافیائی	مسافرت، مهاجرت‌های کاری	١٧	٦/٨
کاهش تعاملات اجتماعی	کم شدن روابط رو در رو، کاهش روابط فامیلی، از بین رفتن شب‌نشینی‌ها، از بین رفتن بازی‌های سنتی، کم شدن همکاری، کاهش حس دلسوزی	٣٤	١٣/٦
حس نوستالژی و تمایل به حفظ سنن	لزوم حفظ روابط، تلاش برای ماندگاری روابط، تلقی مثبت از همکاری، مخالف بودن با تغییر روابط	٣٥	١٤

مشغولیت‌های اقتصادی: بر اساس این مقوله، عشایر معتقد هستند که درگیری‌های اقتصادی فزاینده و مشغولیت‌های آن از عوامل مهم در کاهش تعاملات اجتماعی در بین آن‌هاست. آنان بر این باور هستند که با توجه به سختی‌ها و پیچیدگی زندگی اقتصادی کنونی، هر کس درگیر مسائل اقتصادی و فعالیت‌های خاص خود است، بنابراین فرصت و زمان لازم برای ارتباط و تعاملات اجتماعی در مقایسه با دورهٔ سنتی و گذشته وجود ندارد. بنابراین عشایر قشقایی یکی از عوامل مؤثر بر دگرگونی در تعاملات اجتماعی خود را پیدایش اقتصاد جدید می‌دانند، اقتصادی که مانند گذشته کاملا سنتی نبوده است و مستلزم تحرک و تلاش مداوم است.

در این ارتباط یکی از قشقایی‌ها می‌گوید: *«زندگی سخت شده است و هر کس مشغول گرفتاری خودش است. مثل قدیم نیست، هر کس به یک چیزی مشغول هست، کمتر همدیگر را می‌بینیم، البته طبیعی است چون هر کسی از سر کار کشاورزی یا دامداری خود بر می‌گردد، خسته و کوفته است و وقتی برای دورهمی و شب‌نشینی نیست.»*

رقابت: رقابت از نظر عشایر قشقایی نوعی احساس چشم و همچشمی و نیاز به داشتن آن چیزهائی است که دیگران دارند. از نظر عشایر قشقایی روابط اجتماعی آنان امروزه درگیر یک سری رقابت‌ها و آلوده به یک سری مسائل رقابتی شده است که در گذشته وجود نداشت. با توجه به تغییرات اقتصادی در عشایر قشقایی، از نظر مردم آن منطقه، یک سری افراد از نظر مالی و سایر امکانات بر دیگران برتری داشته‌اند و باعث تولید رقابت در بین افراد دیگر شده است. عشایر قشقایی بر این باورند که از آنجا که در گذشته همه مثل یکدیگر می‌زیستند، مسألهٔ خاصی در این زمینه وجود نداشت، با این وجود از نظر آنان امروزه امکانات و دارایی‌ها به صورت برابر در اختیار همه نیست و نوعی نابرابری دیده می‌شود، این امر باعث احساس رقابت و چشم و همچشمی در بین آنان شده است. همان‌طور که یکی از آن‌ها می‌گوید: *«اگر کسی جا بماند، هیچ‌کس کمکش نمی‌کند. پس باید برای نان بجنگی و از دیگران کم نیاری. الآن همه ماشین و خانه در شهر و وسایل آن‌چنانی و ... دارند. اگر نداشته باشید، کسی به شما اعتنا نمی‌کند.»*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

امکانات صوتی و تصویری: در مورد ورود رسانه‌ها و وسایل صوتی و تصویری به زندگی قشقایی‌ها گرچه بر میزان دانش و شعور اجتماعی آن‌ها افزوده است، اما اکثر مردم را نیز «خانه‌نشین» کرده است. این نکته بیانگر آن است که امکانات مورد بحث باعث ایجاد یک سری سرگرمی‌ها و جایگزین‌ها شده است که خود بر کاهش روابط اجتماعی در قالب سر زدن‌های دوستانه، آمد و رفت خانوادگی و فامیلی و غیره تأثیر می‌گذارد. رسانه‌هائی مانند تلویزیون و ماهواره روابط گرم و صمیمی خانواده‌ها را روزبه‌روز سردتر کرده است. یکی از پاسخگویان در این خصوص می‌گوید: *«عزیز من، الآن این‌قدر سرگرمی زیاد شده است که کسی حوصله شب‌نشینی هم ندارد. یک فیلم یا سریال می‌آید، هیچ‌کس از خانه‌اش بیرون نمی‌رود، هر شب همه در خانه دارند به این و آن نگاه می‌کنند.»*

تحرک جغرافیائی: تحرک جغرافیایی در میان عشایر قشقایی از اهمیت چشمگیری برخوردار است. احداث جاده‌ها، پیدایش وسایل نقلیه و ارتباطی، ارتباطات مردم قشقایی با نواحی مجاور و دور را افزایش داده و آنان را با زبان فارسی آشنا ساخته است. این فرآیند باعث یادگیری زبان فارسی و تضعیف نسبی زبان اصیل قشقایی شده است. عمده‌ترین عوامل این تحرک، مهاجرت‌های کاری و رفت‌وآمدهای خارجی با انگیزه‌های عمدتاً اقتصادی هستند. از نظر عشایر قشقایی، این تحرک جغرافیایی روابط گرم، چهره‌به‌چهره و شخصی سنتی را از جا کنده و به کاهش روابط اجتماعی سنتی منجر گردیده است. در این خصوص یکی از آن‌ها می‌گوید: *«در زندگی امروزی ما مانند گذشته نیست که مردم بدون همدیگر جان نداشتند، الآن هرکسی سرش به لاک خودش است و به دیگری کاری ندارد. بعضی جوان‌ترها می‌روند شهرهای دیگر دنبال کار، ماه به ماه و گاهی تا یک سال بر نمی‌گردند، گاهی اصلاً بر نمی‌گردد».*

حس نوستالژی و تمایل به حفظ سنن: مردم عشایر با بیان ناخرسندی و ناراحتی خود بر این نکته تأکید دارند که تا حد امکان مایل به حفظ روابط و تعاملات اجتماعی صمیمی و سنتی خود هستند. آن‌ها با ذکر این نکته، معتقد هستند که این روابط دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در جامعۀ آنان بوده است و خود آنان نیز تمایل به از بین رفت آن ندارند.

در این ارتباط یکی از افراد مورد مصاحبه می‌گوید: *«خیلی دوست داریم اون تعاملات و ارتباطاتی که قبلاً بین ما حاکم بود، دوباره فعال می‌شدند؛ اما حیف ... واقعا چیزی جای با هم بودن و ارتباطات و هم‌نشینی‌ها را نمی‌گیرد این خودش یک پشت‌گرمی برای همه ما بود که الآن از بین رفته است.»*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

کاهش تعاملات اجتماعی: یکی از تغییرات ایجاد شده در زندگی عشایر که بیشتر پاسخگویان هم از آن گله‌مندانه صحبت می‌کردند، کاهش تعاملات اجتماعی بود. قبلاً مردم دور هم جمع می‌شدند و فارغ از همهٔ مشکلات روزانه و فعالیت‌های خسته‌کنندهٔ روزمره چندساعتی دورهم جمع می‌شدند و به بهانه‌های مختلف به گذران اوقات می‌پرداختند اما امروزه این روند بسیار کم شده است. دلایل زیادی وجود دارد مانند گوشی‌های همراه و تلویزیون و سایر رسانه‌های جمعی عامل این کاهش تعاملات شده است.

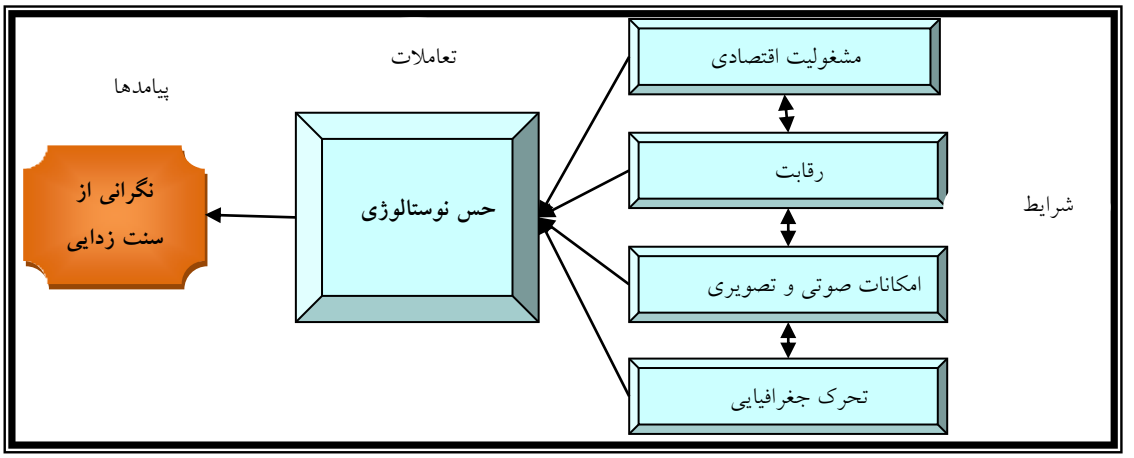
یکی از ساکنین می‌گوید: *«به خاطر ورود تلویزیون و بعدش تلفن همراه، همه چیز به هم خورد. الآن اگر دیدوبازدیدهای فامیلی هم وجود دارد، خیلی با هم حرف نمی‌زنند و هر کسی سرش در گوشی خودش است و به کسی گوش نمی‌دهد. واقعاً این مورد حیف بود. چون برای ما سرگرمی و بازی‌های محلی وجود داشت و بچه‌هامون یاد می‌گرفتند».*

تضعیف ارتباطات اجتماعی در زندگی عشایر قشقایی تحت تأثیر عوامل متعددی مانند مشغولیت‌های اقتصادی، رقابت‌های شخصی، ورود رسانه‌های ارتباط جمعی و تحرک جغرافیایی رخ داده است. این شرایط باعث دگرگونی و ضعف روابط سنتی، افزایش فاصله اجتماعی، محدود شدن و متزلزل شدن تعاملات اجتماعی گردیده است. عشایر قشقایی از این تغییرات ناخرسند بوده، نسبت به نابودی الگوهای تعامل سنتی خوش‌بین نیستند و بر حفظ و بقای آن‌ها تأکید دارند.

علاوه بر این، رسانه‌های ارتباطی، ارتباطات برون‌منطقه‌ای، سوادآموزی مدرن، مهاجرت‌های کاری و عدم حمایت دولتی، زمینه‌ساز درگیری زبان قشقایی با زبان فارسی رسمی شده‌اند. پیامد این فرآیند، نگرانی شدید مردم قشقایی از از دست رفتن زبان بومی است. آنان بر مقاومت زبانی اصرار ورزیده و به دنبال راهبردهای فرهنگی برای حفظ و انتقال زبان به نسل‌های آینده هستند. در نهایت، در زیر ارتباط بین مقولات فوق در قالب یک مدل پارادایمی سه‌بعدی ارائه می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]



نمودار شمارۀ یک- مدل پارادایمی تغییر ارتباطات در جامعه قشقایی

۲) نظام ارزشی اعتقادی (نظام نمادین و آیینی) ایل قشقایی دچار چه تغییراتی شده است؟

در ایل قشقایی از گذشته‌های دور، «اجاق» نماد احترام و تقدس بوده است. تعلق به اجاق واحد، قوی‌ترین پیوند خویشاوندی در نظام قبیله‌ای را شکل می‌دهد. خانواده‌هایی که اصیل‌تر، خیراندیش‌تر، خداشناس‌تر و پرهیزگارتر بودند، اجاقی فراگیرتر و پرنفوذتر داشتند. افراد ایل برای اجاق ایلخانان، کدخدایان، ریش‌سفیدان، پرهیزکاران و زائران خانه خدا احترام ویژه‌ای قائل بودند و آنان را «دارای اجاق» می‌نامیدند. این باور چنان ریشه‌دار بود که برای درمان فرزندان بیمار، آن‌ها را بر سر اجاق افراد پرهیزگار می‌بردند، از خاکستر آن به‌عنوان داروی شفابخش بر دهان بیمار می‌مالیدند و از بانوی خانه هدیه‌ای به‌عنوان تبرک دریافت می‌کردند. این اعمال، اطمینان درونی و ایمان افراد را تقویت می‌کرد (کیانی، ۱۳۷۶: ۳۹۶). در جدول زیر مقولات به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند.

جدول شمارۀ سه- مقولات استخراج‌شده عمده مربوط به درک و تفسیر تغییر در نظام اعتقادی

مقوله	مفهوم	تعداد	درصد
آموزش و تحصیلات	پیدایش مدارس، تحصیلات جوانان، رفتن به دانشگاه، یاد گرفتن مطالب جدید، دگرگونی ذهن جوانان	۲۵	۱۰
رسانه‌های ارتباط‌جمعی	تلویزیون، ماهواره، ویدئو و رسانه‌های اجتماعی	۲۲	۸/۸
تعامل با شهر	پیدایش وسایل نقلیه، تحرک مکانی، مهاجرت، ارتباط با شهر، ایجاد جاده	۲۹	۱۱/۶
عقلانی شدن باورها و فردگرایی	عدم باور به برخی اماکن، کمرنگ شدن باورهای سنتی، کم‌توجهی به مراسم پیشالیار، عدم تقلید از نیاکان، ارزیابی کارکردی باورها، تطبیق باورها با علم، مقاومت سالخوردگان، عدم تقلید جوانان، شکاف نسلی	۲۸	۱۱/۲

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

دنیاگرایی و دین‌گریز	درگیری‌های مادی، رقابت‌های مالی، طمع، مقایسه، استقلال فکری مردم، تصمیم‌گیری‌های دینی مستقل، توجه به مسائل اقتصادی	۳۱	۱۲/٤
همبستگی ناشی از باور عامه	واکنش در مقابل مخالفان دین، حفظ اصل دین، توجه فراوان واجبات، ضرورت حفظ اعتقادات دینی، حساسیت به برخی باورهای نیاکان، اخراج چندین معلم، اهمیت واجبات	۳۳	۱۳/۲

آموزش و تحصیلات: مردم قشقایی معتقدند که پیدایش آموزش و سواد مدرن باعث شده است که باورهای اکثر مردم دچار تزلزل شود. از نظر مردم، آموزش و سواد جدید از طریق ارائهٔ مطالب و مسائل غیرسنتی باعث کنار گذاشته شدن تعدادی از باورها و عقاید دینی و سنتی شده است، به گونه‌ای که امروزه اکثر مردم و به‌خصوص قشر جوان طور دیگری در مورد مسائل می‌اندیشند. سواد مدرن باعث شده است مردم در مورد مسائل گوناگون، اطلاعات و آگاهی‌های مختلفی به دست آورند. این امر به نوبه خود باعث می‌شود مردم و به خصوص جوانان مثل گذشته به عقاید سنتی و تفکرات گذشتگان توجه نکنند.

یکی از افراد تحت مطالعه می‌گوید: *«مدرسه و دانشگاه خوبه و افراد را باسواد و آگاه می‌کنند، اما یه چیز بدی که به نظر من وجود دارد این است که خیلی از بچه‌های ما بعد از این که به مدرسه و دانشگاه می‌روند و بر می گردند؛ خیلی از باورها و اعتقادات ما را قبول ندارند. خیلی چیزها، دین و باور به قدیمی‌ها را از دست می‌دهند، می‌گویند این‌ها کهنه شده است. به درد نمی‌خورد. چیزهایی می‌گویند که اصلاً کسی متوجه نمی‌شود، این‌ها همه‌اش به خاطر این مسائل است که جوان‌ها رفتند درس بخوانند و با این گوشی‌هایی که دستشان است این مقدسات ما را زیر سئوال می‌برند.»*

رسانه‌های ارتباط‌جمعی: بر اساس نظر افراد مورد مطالعه از جامعه قشقایی، رسانه‌های ارتباط جمعی، به‌ویژه تلویزیون، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی، یکی از عوامل اصلی تزلزل اعتقادی و کم‌اعتقادی دینی محسوب می‌شوند. مردم معتقدند محتوای این رسانه‌ها بر اندیشه، تفکر، نگرش و رفتار افراد در مسائل دینی تأثیر منفی گذاشته و باعث دگرگونی باورها می‌گردد. آنان نسبت به برنامه‌ها و کانال‌های ماهواره‌ای حساسیت ویژه‌ای نشان داده و آن را عامل اصلی تضعیف اعتقادات دینی می‌دانند. عامل دیگر مؤثر، تعاملات و ارتباطات با مناطق دیگر، به‌ویژه شهرها، است که به تغییر و تحول در باورها و اعتقادات سنتی منجر شده است.

در همین ارتباط یکی از افراد می‌گوید: *«.....درست است که مثلاً تلویزیون و ماهواره یا گوشی‌های همراه به انسان اطلاعات می‌دهد و می‌توانند در زندگی ما خیلی تأثیرگذار باشند. مثلاً*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

همین گوشی‌ها امروزه بیش‌ازحد برای زندگی ما اهمیت دارد. بارها شده گوسفندی در حال مردن بود، اما با تلفن زدن به یکی از اعضای ایل و آوردن دارو آن را از مرگ نجات دادیم. پس این امکانات خیلی خوبند؛ اما چیزهای عریان یا غیردینی، خوب بچه‌ها یا جوان‌ها و حتی گاهی بزرگ‌ترها هم چیزهای بدی یاد می‌گیرند».

تعاملات با محیط‌های شهری: جامعه قشقایی در منطقه‌ای کوهستانی و صعب‌العبور قرار دارد که در گذشته، پیش از احداث جاده‌ها و وسایل نقلیه موتوری، شرایط زندگی و ارتباطات بسیار دشوارتر بود. امروزه، گسترش جاده‌ها و وسایل نقلیه موتوری، علی‌رغم مشکلات فصلی، امکان مسافرت و رفت‌وآمد به خارج از منطقه را فراهم کرده و مردم قشقایی را با شیوه‌های زندگی، تفکرات و فرهنگ‌های غیربومی آشنا ساخته است. این تعاملات به‌تدریج نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های سنتی، از جمله باورهای اعتقادی، را تغییر داده است. در دوران پیش از جهانی‌شدن، هویت قشقایی عمدتاً از منابع محلی نزدیک شکل می‌گرفت، اما جهانی‌شدن منابع جدیدی معرفی می‌کند که در صورت جذابیت بیشتر، جایگزین منابع سابق شده و تصور از خویشتن را دگرگون می‌سازد.

همان‌طور که یکی از افراد مورد مصاحبه می‌گوید: *«در گذشته خیلی ارتباط با بیرون از ایل نبود و صرفاً برای مایحتاج به شهرها می‌رفتیم؛ اما الآن تمام سراسر ایران می‌رویم و سر درمی‌آوریم، مردم فکر و باورشان عوض می‌شود چون خیلی چیزها را می‌بینند و یاد می‌گیرند که قبلاً نمی‌دانستند. الآن همه این‌ور و آن ور می‌روند و بعد که بر می گردند هرکسی فکر و رأیش عوض شده است، نه فقط به دین و اعتقادات بلکه به هر چیزی مثلاً به ازدواج، به لباس و خیلی چیزهای دیگر».*

دنیاگرایی: بسیاری از مردم قشقایی بر این باورند که یکی از عوامل مهمی که باعث کاهش و ضعف اعتقادات دینی در بین آن‌ها شده است، توجه فزآینده به مطامع و امکانات دنیوی است. آن‌ها معتقدند با توجه به تغییر در شرایط زندگی کنونی و نیازهای فزاینده اقتصادی، تفکرات دنیوی و "طمع" در بین آنان گسترش پیدا کرده است و توجه بیش از اندازه به مسائل و نیازهای اقتصادی دنیوی باعث شده است که چندان به مسائل دینی و اعتقادی نپردازند:

> *«مردم الآن به پول و مادیات تکیۀ زیادی دارند، تقصیر مردم هم نیست، خرج زندگی زیاد شده است. هرکسی شب و روز تلاش می‌کند پول بیشتر به دست آورد، مشکلات اقتصادی خیلی زیاد است ما همین الآن هم به‌زور می‌توانیم از پس هزینه‌ها بربیاییم. الآن زمانه شده است زمانه پول و مادیات. مردم حریص شده‌اند، دیگر دین و اخلاق برای خیلی‌ها مهم نیست، خوب چه می‌شود کرد. هرکسی*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

نداشته باشد، کسی کمکش نمی‌کند و باید برود بمیرد. الآن هر خانه‌ای که شما می‌بینید یک یا چند ماشین داره، تو شهر خانه دارند و چشم و هم‌چشمی زیاد شده»

عقلانی شدن باورها: عقلانی شدن باورها در جامعه قشقایی به معنای تضعیف یا مورد تردید قرار گرفتن بسیاری از عقاید سنتی، مانند خرافات، باور به اجنه و تفکرات اعتقادی قدیمی است. مردم معتقدند برخی از این باورها که در گذشته مورد تأکید ویژه بودند، مانع رشد و پیشرفت اجتماعی جامعه‌شان شده‌اند و به‌عنوان عوامل عقب‌ماندگی و پسرفت تلقی می‌گردند. در نتیجه، بخش عمده‌ای از باورداشت‌های سنتی و خرافی جایگاه پیشین خود را از دست داده است. این فرآیند عقلانی‌سازی، به‌ویژه در میان جوانان که اسطوره‌ها و نگرش‌های سنتی را به چالش می‌کشند، به بروز مقاومت و تعارض نسلی میان جوانان و سالخوردگان منجر شده است.

نقل‌قول زیر از یک جوان ممکن است به‌وضوح این نکته را نشان دهد: *«من به این خرافات اعتقادی ندارم. خیلی از چیزهای قدیمی که مردم و قدیمی‌ها آن را دین می‌دانند، دوست دارم نابود بشوند، البته برخی از باورها خوب هستند مثلاً توصیهٔ دین به همکاری و انسان‌دوستی و همسایگی، این‌ها خوب است، من نگاه می‌کنم که اگر این باورها با علم و عقل جور درآمد، آن را می‌پسندیم، خوب الآن علم و شعور زیاد شده است. اگر با علم و فکر انسان منافات داشت آن را نمی‌خواهیم، گرچه هنوز پیرمردها این‌ها را می‌خواهند و به شدت برخورد می‌کنند، اما خوشبختانه این مسائل در حال نابود شدن است، خرافات را نمی‌خواهیم اما اگر اعتقادی یا فکری به درد زندگی ما بخورد معلوم است که به آن پایبندیم، البته الآن همه به این نتیجه رسیدن پول از همه چی مهمتره و این باورها هم هیچ کاری برای مردم نمی‌کنند. من از گرسنگی بمیرم، کسی میاد بگه نماز بخوان تا پولدار شوی؟ نه»*

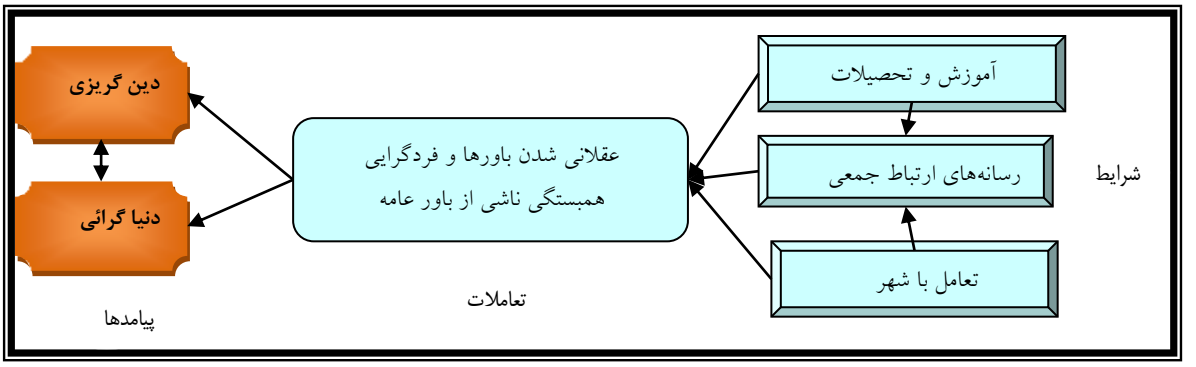
وجود باورهای عامیانه: در مسیر کوچ عشایر قشقایی، آیین‌های متعددی مرتبط با امامزاده‌ها مشاهده می‌شود. زنان و دختران حاجت‌مند، دستمالی را سه بار به سوی قلاب آویزان از گنبد پرتاب می‌کنند؛ اگر گیر کند، حاجت روا شده و دستمال به متولی تقدیم می‌گردد و نذری دیگر ادا می‌شود. در صورت عدم اجابت، آن را مشیت الهی می‌دانند. برای ایفای نذر روشنایی، پارچه‌ای سفید را در روغن فرو برده و هنگام غروب در جلوی چادر می‌سوزانند، ضمن فرستادن صلوات و طلب حاجت. این عمل به‌ویژه شب‌های جمعه یا پس از فوت نزدیکان انجام می‌شود. در ارتفاعات، هنگام دیدن امامزاده از دور، سنگ‌چینی می‌سازند و هر حاجت‌مندی سنگی بر آن می‌افزاید، سپس از دور تعظیم کرده و استراحت می‌کنند. قشقایی‌ها «اجاق» (کانون خانوادگی) را مقدس می‌شمارند و بزرگ‌ترین سوگندشان به آن است. پیش از بردن عروس به خانه داماد، سه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

بار او را دور اجاق پدر می‌گردانند و دختر از خاکستر آن به دهان می‌گذارد تا سپاسگزاری خود از زحمات پدر را نشان دهد.

می‌توان گفت مقوله «تغییر در نظام اعتقادی و ارزشی» به‌عنوان مقوله هسته‌ای و کلیدی، سایر مقولات عمده را در خود جای می‌دهد. تحت تأثیر شرایط و تعاملات ایجادشده، دگرگونی‌های ارزشی و اعتقادی در جامعه قشقایی پیامدهایی به دنبال داشته است. اصلی‌ترین این پیامدها، ابراز نگرانی شدید مردم از دست دادن باورهای دینی و همزمان تأکید قاطع بر حفظ مبانی اساسی دین است. قشقایی‌ها معتقدند که در هر شرایطی باید اصول اعتقادی خود را نگه دارند و برای آن تلاش کنند. بنابراین، نظام اعتقادی و ارزشی آنان امروزه دستخوش تغییر شده، اما در نهایت بر بقای اصول اساسی دین خود پافشاری و کوشش می‌نمایند. بحث فوق در قالب مدلی به شکل زیر ارائه شده است.



نمودار شمارۀ دو- مدل نظریه زمینه‌ای تغییر در نظام اعتقادی با عنوان بقای سنت‌های نیک

۳) چه تغییراتی در نظام آموزشی مردم ایل قشقایی به وجود آمده است؟

مردم قشقایی در خلال چند سال اخیر از نظر وضعیت آموزشی- تحصیلی رشد قابل‌توجهی داشته است. تعداد قابل‌توجه این مدارس و نیز تعداد دانش‌آموزان مشغول به تحصیل خود بیانگر رشد در حال افزایش تحصیلات و امکانات آموزشی در مدارس روستایی هستند. در جدول زیر مقولات به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند.

جدول شمارۀ چهار- مقولات استخراج‌شده عمده مربوط به درک و تفسیر تغییر در نظام آموزشی

مقوله	مفهوم	تعداد	درصد
ورود به مشاغل دولتی	پیدا کردن شغل، امرارمعاش جدید، تأمین آینده، مرجعیت طیف کارمند، احترام اجتماعی، درآمدزایی سواد، رها شدن از کار سنتی	۲۱	۸/٤
ضرورت‌های مدرنیسم	نیازهای مسافرتی، نیازهای رفع نیازهای روزمره، وابستگی کنونی امور به سواد	۱٦	٦/٤

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

تصور مثبت از پیشرفت‌های آموزشی	افزایش سواد، گسترش امکانات آموزشی، احساس غرور، رضایت از آموزش، مثبت بودن آن برای زندگی، اهمیت سواد	۱۲	٤/۸
افزایش شعور اجتماعی	عاقل شدن مردم، یادگیری زبان‌های دیگر، رفع نیازهای روزمره، کاربرد برون منطقه‌ای	۲۲	۸/۸
اجبارهای سنت	نگرانی از سنت‌زدایی، ضعف باورهای دینی، کم‌توجهی تحصیل‌کردگان، یادگرفتن مسائل ضد سنتی	۱۱	٤/٤

در مرحلهٔ کدگذاری محوری مربوط به درک و تفسیر تغییرات آموزشی، ۵ مقوله استخراج شدند. در زیر به‌اختصار به هر یک از مقولات فوق پرداخته می‌شود.

ورود به مشاغل دولتی: مشکلات اقتصادی و معیشتی عشایر قشقایی، که پیش‌تر در بخش اقتصاد به تفصیل بررسی شد، باعث شده مردم این جامعه باور داشته باشند که تحصیلات مدرن و کسب مدارک تحصیلی می‌تواند فرصت‌های شغلی جدیدی برای آنان فراهم کند. از نظر قشقایی‌ها، سواد و آموزش جدید به یافتن مشاغل اداری یا مرتبط کمک شایانی می‌نماید و با پذیرش نظام آموزشی نوین و اخذ مدارک دانشگاهی، امکان دستیابی به شغل مناسب افزایش می‌یابد. این امر آنان را از شرایط اقتصادی نامناسب فعلی رهایی می‌بخشد. بنابراین، انگیزه اقتصادی یکی از عوامل اصلی روی‌آوری به آموزش مدرن است، زیرا تحصیلات افراد را توانمند ساخته و سهم بیشتری در تعیین سرنوشت اقتصادی خود می‌دهد.

در این خصوص یکی از افراد مورد مصاحبه می‌گوید: *«..... خوب اکثر مردم دوست دارند، البته خودم هم همین‌طوری هستم، دوست داریم بچه‌هایمان را بفرستیم مدرسه که بعداً یک کاری گیر بیاورند. شاید کمتر به خاطر خود درس خواندن است، بیشتر به خاطر کاریابی است. کار دیگری نیست در اینجا. ما نه دامداری و نه کشاورزی خوبی نداریم جز ۲ یا ۳ خانواده اغلب بقیه به خاطر اینکه در آینده بچه‌هایشان کاری پیدا کنند آن‌ها را می‌فرستند مدرسه، کارهای الآن باسواد دار بودن بهتر جلو می‌رود»*.

ضرورت‌های مدرنیسم: مردم قشقایی آموزش و سواد مدرن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای زیستن در دنیای معاصر می‌دانند و آن را ابزاری کلیدی برای پیشرفت و ترقی زندگی تلقی می‌کنند. از نظر آنان، دنیای امروز پر از پدیده‌ها، امکانات و موضوعات جدید است که تحول عمیقی نسبت به دنیای سنتی گذشته ایجاد کرده است. رسانه‌های ارتباطی، اخبار، روابط اقتصادی پیچیده و رقابتی، و فناوری‌های نوین از تلویزیون تا کامپیوتر، همگی نیازمند حداقل سطحی از آموزش مدرن هستند. قشقایی‌ها معتقدند زیستن در این دنیای دگرگون‌شده بدون درک و شناخت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

جنبه‌های آن دشوار و حتی غیرممکن است و تنها راه مواجهه با مسائل گریزناپذیر ناشی از ورود پدیده‌های جدید، یادگیری چگونگی برخورد صحیح با آن‌هاست.

در این ارتباط یکی از ساکنان می‌گوید: *«امروزه دیگر هیچ راهی نداریم مگر آنکه از سواد جدید برخوردار شویم. الآن دنیا عوض شده است. اگر بی‌سواد باشیم اصلاً نمی‌دانیم دنیا چه خبر است، چگونه از امکانات منزل خودمان هم استفاده کنیم، کر و کور می‌شویم. الآن من سواد ندارم، بچه‌هایم دارند و از هر چیزی سر در می‌آورند. دنیای امروز دیگر مال آن‌هاست.»*

تصور مثبت از پیشرفت‌های آموزشی: با توجه به نقش آموزش مدرن در زندگی مردم قشقایی و نیز علاقۀ فزایندۀ مردم به آن، تعداد زیادی از جوانان قشقایی تحصیلات دانشگاهی دارند و یا در دانشگاه مشغول تحصیل هستند. برای مثال در یکی از مناطق قشقایی، یعنی روستای ناو، حدود ۷ نفر پزشک و ۹۰ نفر تحصیل‌کردۀ دانشگاهی وجود دارد. به گونه‌ای که در آنجا چندین بار جشن فارغ‌التحصیلی برگزار می‌شود. بنابراین مردم قشقایی با اشاره به توسعۀ آموزش جدید در منطقۀ خود با افتخار از آن یاد می‌کنند و آن را به عنوان یکی از نقاط قوت جامعۀ خود تلقی می‌نمایند.

یکی از ساکنین چنین می‌گوید: *«ما در این ایل حدود ۱۰ نفر تحصیل‌کردۀ دانشگاهی داریم، خوب معلوم است که سواد ما زیاد شده است و دوست داریم زیادتر هم بشود. دوست داریم همه بدانند که ما واقعاً پیشرفت کرده‌ایم، الآن در ادارات این همه قشقایی‌ها زیاد شده است، هر جا می‌روی چند نفر هستند، خوب این باعث افتخار و دلگرمی ماست.»*

افزایش شعور اجتماعی: مردم قشقایی تأکید دارند که سواد و تحصیلات مدرن، دانش و آگاهی عمومی آنان را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. در گذشته، بی‌سوادی باعث بی‌توجهی و ناآگاهی نسبت به مسائل زندگی شده بود، اما امروزه سواد آنان را نسبت به رویدادهای روز، امکانات و تسهیلات حساس کرده است. آموزش مدرن، قشقایی‌ها را قادر می‌سازد تا با محیط جدید بهتر انطباق یابند و مسائل مختلف خود را مؤثرتر حل‌وفصل نمایند.

یکی از ساکنین در این خصوص بیان می‌دارد: *«سواد عقل و فهم انسان را زیاد می‌کند، یادم می‌آید زمانی که در ییلاق بودیم کسی سواد نداشت. اگر مأموری آنجا می‌آمد چون کسی حتی فارسی هم بلد نبود که با او حرف بزند، اگر نامه‌ای داشتی، ملای آبادی برایمان می‌خواند. الآن مردم می‌توانند بخوانند و بنویسند، به هر شهری سفر کنند. از خیلی چیزها سر در بیاورند. اگر کسی بی‌سواد باشد هیچی بلد نیست، حتی نمی تواند از یک دارو یا قرص هم سر دربیاورد. الآن پیشرفت دنیا همه‌اش شده است سواد و دانش.»*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

اجبارهای سنت: با وجود گسترش آموزش و وجود تعداد زیادی تحصیل‌کرده و نیز اماکن آموزشی متعدد، مردم قشقایی نسبت به از دست دادن شیوهٔ زندگی سنتی خود ابراز ترس و نگرانی می‌کنند. آن‌ها احساس می‌کنند که بالا رفتن سطح تحصیلات ممکن است باعث از دست رفتن یا دگرگون شدن بسیاری از سنت‌ها و شیوه‌های زندگی آنان شود، سنت‌ها و شیوه‌هایی که از دید مردم قشقایی مهم و ارزشمند به نظر می‌رسند. بنابراین مردم قشقایی گرچه بر جنبه‌ها و دستاوردهای مثبت و کارکردی آموزش مدرن تأکید می‌کنند، اما در عین حال با ابراز نگرانی و ابهام به آن نیز می‌نگرند.

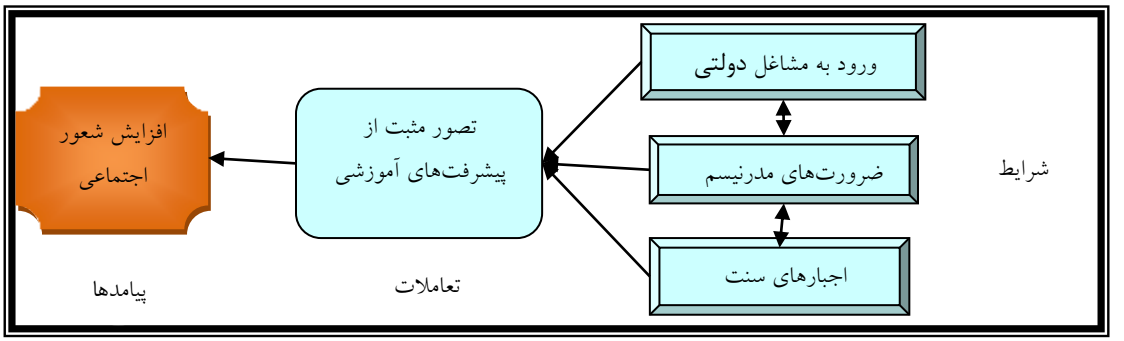
در این زمینه یکی از افراد چنین می‌گوید: *«از سواد جدید بترسیم یا نترسیم زندگی ما را تا حد زیادی تغییر داده است و تغییر هم می‌دهد، اما قلباً دوست داریم برخی از آداب‌ورسوم و شیوهٔ سنتی زندگی ما کماکان حفظ شود، برای مثال ارتباط خوبی که مردم در قدیم با هم داشتند و تا حدی امروز هم مانده است، حفظ شود، مهمان‌نوازی و حس کمک و همدلی، می‌ترسیم این‌ها نابود شوند. سواد که بیاید، زندگی سنتی ما هم از بین می‌رود. الآن به همین خاطر خیلی سنت‌ها و آداب‌ورسوم خودمان را از دست داده‌ایم، به خصوص جوانان که دیگر زیاد پایبند نیستند تا چند سال دیگر بقیه را هم از دست می‌دهم، مانند لباسی سنتی، غذاهای سنتی، حتی روش صحبت کردن، دوست نداریم همه‌چیز را از دست بدهیم، نگران هستیم.»*

مقولهٔ دو وجهی «توانمندی/ فشارآور» به عنوان مقولهٔ هسته و محوری انتخاب می‌شود. در ادامه به بررسی بیشتر این مقوله پرداخته می‌شود. این مقوله می‌تواند حداکثر فضای مفهومی مقولات فوق را اشباع نماید و در خود جای دهد. بر اساس این مقوله، مردم قشقایی ضمن پذیرش آموزش مدرن به‌عنوان پدیده‌ای مثبت، اقتصادی و آگاهی‌بخش، نسبت به پیامدهای سنت‌زدایی آن نگران هستند. از این‌رو، آن‌ها نظام آموزشی مدرن را دارای دو وجه مثبت و منفی می‌بینند.

ورود پدیده آموزش مدرن به جامعه قشقایی تحت تأثیر شرایط و بسترهای اولیه و تعیین‌کننده‌ای بوده است: فرصت شغل‌یابی برای رفع مشکلات اقتصادی، ضرورت‌های مدرنیسم برای بقا در دنیای جدید و استفاده از امکانات، افزایش شعور اجتماعی برای رهایی از محدودیت‌های قدرت سنتی (مانند خوانین و مشایخ) و درک بهتر متون دینی، و نیز اجبارهای سنتی مبتنی بر توصیه‌های دینی به دانش و سوادآموزی. با ورود آموزش مدرن، مردم قشقایی واکنش‌ها و تعاملات خاصی نشان داده‌اند: مرجعیت مشاغل آموزشی و مرتبط، ایجاد تصور مثبت از آموزش مدرن، تأکید بر تحصیل کودکان (به‌ویژه دختران)، استقبال عمومی گسترده، و اصرار بر همگرایی آموزش جدید با باورها و اعتقادات سنتی خود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]



نمودار شمارۀ سه-مدل درک تغییرات در نظام آموزشی

٤) چه تغییراتی در هویت فرهنگی مردم قشقایی به وجود آمده است؟

یکی از جدی‌ترین تهدیدهای جهانی‌شدن، یکسان‌سازی سبک زندگی و الگوهای فرهنگی است که میراث تاریخی هزاران‌ساله اقوام، شکل‌گرفته بر اساس ویژگی‌های اقلیمی، جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی را در معرض خطر قرار می‌دهد. جامعه قشقایی نیز از این تهدید مستثنی نیست. فرهنگ غنی قشقایی، ریشه در ساختار اجتماعی، تاریخی، سیاسی و شیوه معیشت (عشایری، روستایی و شهری) دارد و شامل آداب و رسوم، سنن، باورها، هنجارها و ارزش‌های مکتوب و نامکتوب است. عناصری مانند زبان، مذهب، پوشاک، رقص، موسیقی محلی، ترانه‌ها، مراسم شادی (ازدواج، نوروز، اعیاد، ختنه‌سوران) و عزاداری، آداب غذا خوردن و ارزش‌های مشترک، انسجام مردم ایل را زیر چتر فرهنگ مشترک قشقایی فراهم آورده و میراثی بی‌بدیل ایجاد کرده است.

جدول شمارۀ پنج: مقولات استخراج‌شده عمده مربوط به تفسیر تغییر در هویت فرهنگی

مقوله	مفهوم	تعداد	درصد
جهانی شدن	استقلال از مراجع سنتی، تضعیف زبان بومی، استقلال در ازدواج، تغییر ارزش‌ها	۹/٦	٢٤
مناسک سنتی	بی‌توجهی به سنن و آداب گذشته، خرافاتی دانستن باورهای قدیمی، نافرمانی از بزرگترها،	۱۰/۸	۲۷
شعر و موسیقی	عدم تمایل به موسیقی محلی، روی آوردن به موسیقی مبتذل،	۱۰/٤	٢٦
هویت قومی واحد	زبان ترکی، تجربه درد و رنج مشترک، اصالت زبان، فرهنگ بومی	۱۲/٤	۳۱
تحمیل فرهنگ غربی	خو گرفتن به ارزش‌های غربی، مُد، پوشیدن لباس‌های مبتذل، توجه زیاد به فراگیری زبان انگلیسی	۵/٦	١٤
تکنولوژی‌های جدید ارتباطی	تضعیف و فروپاشی خانواده، افزایش طلاق، خیانت، انحراف جوانان،آهنگ‌های مبتذل،	۷/۲	۱۸

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

جهانی شدن و تغییر هویت: جهانی‌شدن فرآیندی است که ارتباطات جهانی پدیده‌های مختلف، از جمله فرهنگی، را گسترش می‌دهد و هویت را در شبکه‌ای جهانی قرار می‌دهد، منجر به دگرگونی تصور از خویشتن می‌شود. در دوره پیش از جهانی‌شدن، جامعه قشقایی به دلیل محدودیت ارتباطات، تنها به منابع محلی نزدیک رجوع می‌کرد. امروزه، علی‌رغم این تغییرات، سنت‌های اصیل حفظ شده‌اند؛ زنان در مراسم عروسی و جشن‌ها همچنان از لباس سنتی استفاده می‌کنند و مراسم با جوهره گذشته، هرچند با تغییرات رویی، برگزار می‌شود. گسترش امکانات حمل‌ونقل، ارتباطات درون‌قومی را حتی در فواصل دور افزایش داده و ازدواج‌های بین‌طایفه‌ای را بیشتر کرده که به تقویت همبستگی قشقایی‌ها در مناطق مختلف منجر شده است (شیبانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵). با این حال ایل قشقایی از پیامدهای جهانی شدن متاثر بوده است و باعث تغییر و تحولات زیادی در فرهنگ و ارزش‌های آن شده است. پاره‌ای از این تغییرات مثبت و پاره‌ای منفی بوده است.

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: *«زمان ما اگر در آبادی‌های اطراف یا مناطق ییلاقی اتفاقی می‌افتاد ساعت‌ها، روزها و یا حتی ماه‌ها طول می‌کشید تا باخبر شویم امروزه به مدد موبایل و تلویزیون ما فوراً باخبر می‌شویم. فرهنگ و ارزش‌های ما در معرض نابودی است بچه‌ها دیگر اعتقادی به باورهای ما ندارند به آداب و رسوم گذشتگان پایبند نیستند و گاهی آن‌ها را به باد تمسخر می‌گیرند».*

حفظ مناسک سنتی: قوم قشقایی دارای آداب و سنن دیرینه‌ای است که علی‌رغم فشارها و تهاجمات بیگانگان برای محو آن‌ها، همواره عامل قوام و پایداری این قوم بوده است. ویژگی‌های اخلاقی برجسته قشقایی‌ها شامل شجاعت، پایمردی، ساده‌دلی، پاک‌طینتی و سلحشوری است که افراد از کودکی در جامعه فرا می‌گیرند و به آن عمل می‌کنند. ازدواج در ایل قشقایی ویژگی‌های خاصی داشت؛ همکاری صمیمانه زن با شوهر در امور زندگی، نقش اقتصادی او و ایجاد پیوندهای خویشاوندی مستحکم، اهمیت انتخاب همسر را برجسته می‌ساخت. ازدواج تک‌همسری بود و چندهمسری توسط جامعه طرد می‌شد. آمار طلاق نیز بسیار پایین و نادر بود، به‌گونه‌ای که در برخی طوایف سالیان دراز طلاقی رخ نمی‌داد (کیانی، ١٣٧٦: ١٥٣). اما امروزه وضعیت خیلی فرق کرده است و بسیاری از این آداب و رسوم از بین رفته است.

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: *«واژۀ طلاق، زمان ما کاربرد چندانی نداشت و واژه‌ای غریب بود باور کنید شاید در طول سال‌ها در تمام مناطق ییلاقی یک طلاق هم اتفاق نمی‌افتاد اما امروزه طلاق ورد زبان مردم شده است.»*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

تداوم شعر و موسیقی در ایل قشقایی: اشعار و ترانه‌های محلی در ایل قشقایی، از اهمیت زیادی برخوردار است. بیشتر به هنگام کوچ، عروسی و عزا، اشعار و ترانه‌های سنّتی خوانده می‌شود. گرچه سرایندۀ بیشتر اشعار، ناشناخته‌اند، امّا دیوان شاعران نامدار قشقایی، میرزا مأذون و اشعار یوسف علی بیگ، صمصام، خسرو بیگ قره قانلو و... در دسترس‌اند.

آهنگ‌های ایل قشقایی، هرچند برخی با موسیقی ملی ایران یا آهنگ‌های محلی دیگر مناطق پیوند دارند، عمدتاً مختص ویژگی‌های زندگی، تاریخ و فرهنگ این ایل هستند و از شیوایی و دل‌نشینی ویژه‌ای برخوردارند. علی‌رغم نگرانی از تضعیف برخی عناصر هویتی مانند زبان ترکی و سنت‌های قشقایی، مشاهدات نشان می‌دهد که این عناصر همچنان جایگاه والایی دارند. برای نمونه، تقریباً همه قشقایی‌ها با فرزندان خود به زبان مادری سخن می‌گویند و همزمان زبان فارسی رسمی را به آنان آموزش می‌دهند. گروه‌های موسیقی قدرتمند نیز با ترکیب سازهای سنتی و مدرن، آهنگ‌های زیبایی به زبان ترکی اجرا می‌کنند که با استقبال گسترده مردم روبه‌رو می‌شود.

هویت قومی: هویت اساساً مفهومی دو وجهی است که هم دلالت بر تفاوت و تمایز و افتراق و هم بر تشابه و اشتراک دارد. هویت‌ها اساسی‌ترین معانی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و افراد جامعه به‌واسطه آن‌ها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. افراد جامعه به‌واسطۀ هویت به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهم‌تر آنکه به خودشان نیز می‌گویند که چه کسی هستند. در هر حال، هویت از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هر گونه زندگی اجتماعی است. بدون چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، افراد همانند یکدیگر خواهند بود و هیچ‌کدام از آن‌ها نمی‌توانند به صورتی معنادار و پایدار با دیگران ارتباط و پیوند یابند (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸٦).

تحمیل فرهنگ غربی: بدون شک یکی از اهداف جامعۀ غرب، یکسان‌سازی فرهنگی و تحمیل فرهنگ خود بر سایر جوامع است. یکی از ابزارهای غرب برای رسیدن به این هدف استفاده از قدرت رسانه می‌باشد.

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: *«متاسفانه جوانان ما روز به روز به سمت سبک زندگی غربی پیش می‌روند. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره ارزش‌های غرب را تبلیغ می‌کنند و به خورد جوانان ما می‌دهند و فرهنگ خود را بر ما تحمیل کرده‌اند».*

تکنولوژی‌های جدید ارتباطی: توسعه سریع فناوری‌های ارتباطی جدید، نیروی محرک اصلی تسریع جهانی‌شدن در دهه‌های اخیر بوده است. این رسانه‌ها تعاملات انسانی و اجتماعی را به سطحی پیچیده و به‌هم‌پیوسته ارتقا داده، مرزهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی را

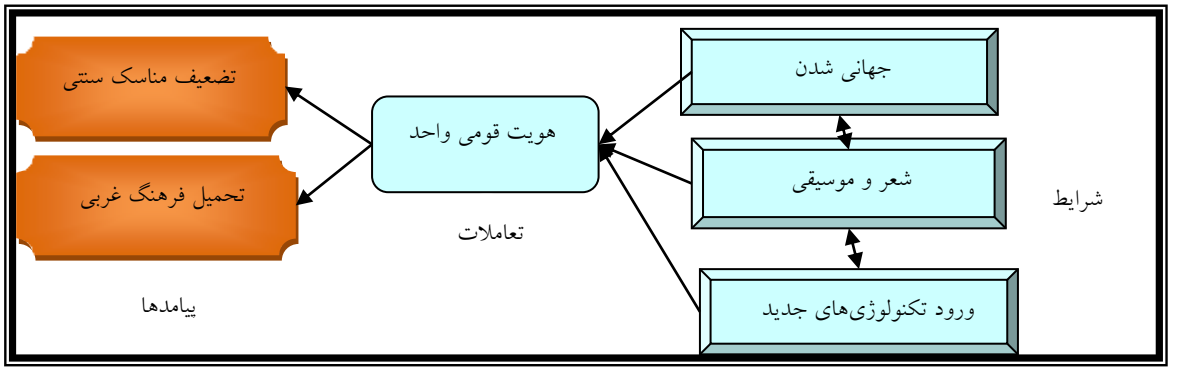
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

بازتعریف کرده، روابط و مبادلات اجتماعی را گسترش و تسریع نموده و ساختارهای فردی خرد و کلان اجتماعی را متأثر ساخته‌اند. با این حال، ارتباطات بین‌فرهنگی سنتی را به چالش کشیده‌اند. در این بستر، دانشمندان بیش از پیش به بررسی رابطه رسانه‌های جدید و ارتباطات بین‌فرهنگی می‌پردازند (چن[۳۵]، ۲۰۱۳). می‌توان گفت تقارن ترسناک تکنولوژی‌های ارتباطی جدید، بسیاری از متفکران را آزار می‌دهد که معتقدند این فناوری‌ها ناگزیر به از دست دادن فرهنگ محلی، به‌ویژه، هویت فرهنگی منجر می‌شوند (جامیاس[۳۶]، ۱۹۹۳). با این حال نتایج تحقیقات، جنبه‌های مثبت و منفی رسانه‌های جمعی را نشان داده است. جامعهٔ قشقایی نیز همچون جوامع دیگر متأثر از جنبه‌های مثبت و منفی تکنولوژی‌های ارتباطی جدید بوده است.

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: *«تمام بدبختی‌های ما از این تلفن‌های همراه است که بسیاری از جوانان ما را منحرف کرده است. ماهواره بچه‌های ما را از فرهنگ بومی بیگانه کرده است و باعث تغییر ارزش‌های جامعهٔ ما شده است به گونه‌ای که بسیاری از جوانان ما متأثر از فیلم‌های ماهواره سبک زندگی خود را تغییر داده‌اند».*

در این مرحله مقولهٔ دو وجهی پذیرش/مقاومت به عنوان مقولهٔ هسته و محوری انتخاب می‌شود. این مقوله برای نسل‌های قبلی با مقاومت و در میان اقشار جوان ایل با پذیرش تغییرات همراه است. می‌توان گفت در طول چهار دههٔ اخیر در زندگی عشایر تغییرات فرهنگی زیادی رخ داده است که در بین جوانان با پذیرش همراه است.



نمودار شمارهٔ چهار-مدل درک تغییرات در هویت فرهنگی

از آنجا که ۲۳ مقولهٔ عمده دارای تشابهات معنائی و مفهومی هستند، بنابراین، مجدداً ۲۳ مقولهٔ عمده را در قالب چند مقولهٔ کلی‌تر، تحلیلی‌تر و انتزاعی‌تر خلاصه کرده است و آن‌ها را بر اساس سه وجه شرایطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی به ٤ مقولهٔ عمده و خلاصه بازنویسی کردیم.

[35] Chen
[36] Jamias

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

از بین این ٤ مقوله، تعداد ٤ مقولۀ شرایطی، ۳ مقولۀ تعاملی و ۲ مقولۀ پیامدی ارائه شد. این مقولات در جدول زیر مشخص شدند:

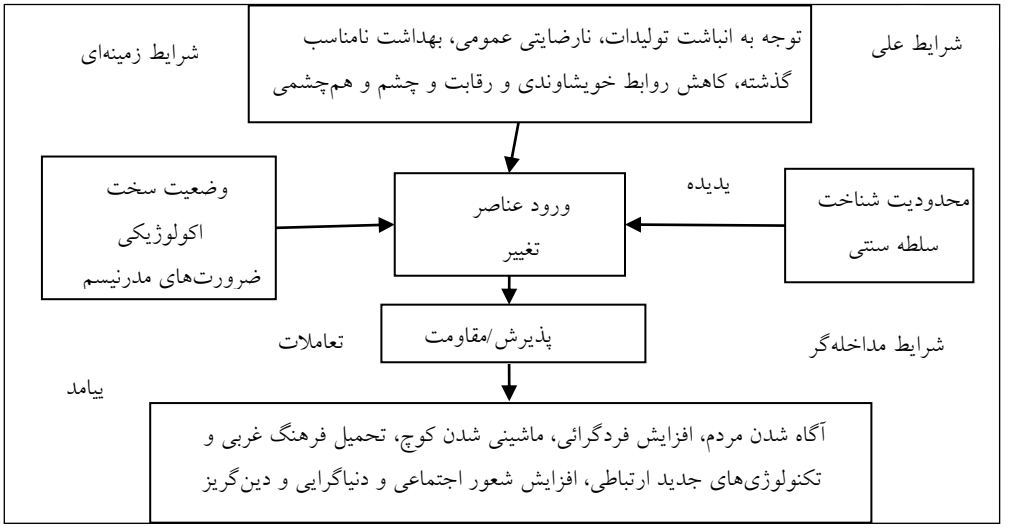
جدول شمارۀ شش- مقولات عمدۀ نهائی به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی/فرایندی و پیامدی

ردیف	مقولات عمده نهائی	نوع مقوله	مقولات عمده
۱	تغییر در الگوهای هویتی	تعاملی	جهانی شدن، مناسک سنتی، شعر و موسیقی، هویت قومی واحد، تحمیل فرهنگ غربی و تکنولوژی‌های جدید ارتباطی
۲	تغییر در نظام آموزشی	پیامدی	ورود به مشاغل دولتی، ضرورت‌های مدرنیسم، تصور مثبت از پیشرفت‌های آموزشی، افزایش شعور اجتماعی و اجبارهای سنت
۳	تغییر ارتباطات	پیامدی	مشغولیت‌های اقتصادی، رقابت، امکانات صوتی و تصویری، تحرک جغرافیائی، کاهش تعاملات اجتماعی و حس نوستالژی و تمایل به حفظ سنن
٤	تغییر در نظام نمادین و آیینی	شرایطی	آموزش و تحصیلات، رسانه‌های ارتباط‌جمعی، تعامل با شهر، عقلانی شدن باورها و فردگرایی، دنیاگرایی و دین‌گریز و همبستگی ناشی از باور عامه

با عنایت به مقولات عمده می‌توان مقولۀ ساختاربخش و ساختارزدا را به‌عنوان نهایی‌ترین مقولۀ هسته انتخاب کرد. این انتزاعی‌ترین مقوله، پاسخ اصلی به سؤال پژوهش درباره تغییرات فرهنگی زندگی عشایر قشقایی را ارائه می‌دهد. مردم قشقایی تغییرات را پدیده‌ای دووجهی می‌بینند: از یک سو ساختاربخش، که آنان را قادر می‌سازد بر مشکلات اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی غلبه کنند، سطح زندگی را ارتقا دهند و ساختارهای جدیدی متفاوت از الگوهای سنتی ایجاد نمایند؛ همین جنبه مثبت سبب استقبال آنان از تغییرات شده است. از سوی دیگر ساختارزدا، که سنت‌ها و اعتقادات بومی را به چالش کشیده و در معرض نابودی و ازجاکندگی قرار داده است. قشقایی‌ها با ابراز نگرانی و ناخرسندی، بر حفظ بسیاری از روش‌های سنتی خود تأکید دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]



نمودار شمارهٔ پنج–مدل نهائی نظریهٔ زمینه‌ای درک تغییرات به‌مثابه فرصت/چالش

بر اساس مدل پارادایمی فوق، تغییرات فرهنگی در عشایر قشقایی تحت تأثیر شرایط علی (اقتصادی، بهداشتی، رفاهی و تحرک) و شرایط مداخله‌گر (سلطه سنتی، محدودیت شناخت و مشکلات اکولوژیکی به‌عنوان بستر) رخ داده است. این شرایط به‌طور متقابل پدیده تغییر را ایجاد کرده‌اند. قشقایی‌ها در برابر تغییرات اجتماعی–فرهنگی، استراتژی‌های دوگانه‌ای اتخاذ کرده‌اند: از یک سو پذیرش عملی عناصر جدید (به‌ویژه در فرهنگ مادی) به‌عنوان عامل ساختاربخش و توسعه زندگی، و از سوی دیگر مقاومت و ارزیابی منفی نسبت به پیامدهای ساختارزدا در فرهنگ غیرمادی. آنان ضمن استقبال مشروط از نوآوری‌ها (همگرا با باورهای سنتی)، نسبت به از بین رفتن شیوه‌های سنتی ابراز نگرانی کرده و رویکردی محافظه‌کارانه در پیش گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر الگوی تغییرات فرهنگی زندگی عشایر قشقایی در چهار دههٔ اخیر در اصفهان بود. مضامین تولید شده بیشتر از طریق کدگذاری و توضیحات غنی پردازش شدند. عمده‌ترین نتایج پژوهش عبارتند از **تغییر در ارتباطات اجتماعی** که تا حدی با پیشینهٔ پژوهش هم‌راستا می‌باشد. شبان‌پیشه (١٣٩٤) در پژوهشی نشان داد که تغییرات فرهنگی ناشی از ورود رسانه‌ها، ارتباطات برون طایفه‌ای و فرصت‌های شغلی جدید، موجب تضعیف نسبی اعتقادات دینی، آداب و رسوم و روابط خویشاوندی عشایر شده است. این تغییرات بر اساس

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

مبانی نظری پژوهش نیز قابل تفسیر می‌باشند. در این راستا ممتاج و سوشیلا[۳۷] (۲۰۱٤) فناوری را بازتاب و محرک تغییرات اجتماعی می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که گذار از جوامع ابتدایی به صنعتی با پیشرفت فناوری، صنعتی‌شدن، تقسیم کار و تولید انبوه همراه بوده است. همچنین اشاعه‌گرایان تغییر اجتماعی را ناشی از انتقال و اقتباس عناصر فرهنگی مادی و غیرمادی میان جوامع می‌دانند.

تغییر در نظام‌های نمادین و آیینی که تا حدودی با نتایج پژوهش شبان‌پیشه (۱۳۹٤) هم-راستا می‌باشد که در پژوهشی نشان داد، تغییرات فرهنگی در میان عشایر قشقایی به صورت پدیده‌ای دوگانه ارزیابی می‌شود؛ از یک‌سو موجب بهبود فرهنگ مادی، سطح زندگی، بهداشت، آموزش، رفاه و آگاهی می‌شود و از سوی دیگر موجب تضعیف نسبی فرهنگ غیرمادی، شامل اعتقادات دینی، آداب‌ورسوم و روابط خویشاوندی، تحت تأثیر رسانه‌ها و ارتباطات برون‌طایفه‌ای شده است. ریاحی و عابدینی‌راد (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی نشان دادند که اسکان عشایر، در ابزار، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی تغییراتی ایجاد کرده است. با وجود بهبود نسبی در دسترسی و استفاده از ابزار فرهنگی به‌ویژه رسانه‌ها، بسیاری از ارزش‌ها، باورها و نمودهای فرهنگی سابق کمرنگ شده است و تحت تأثیر زندگی یکجانشینی، با فرهنگ‌های شهری و روستایی جایگزین گردیده است. به‌طور کلی، گسترش آموزش و سواد مدرن و رسانه‌های جمعی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و ماهواره، موجب تزلزل نسبی باورهای دینی و سنتی شده است. افزایش آگاهی و دسترسی به اطلاعات نوین، به‌ویژه در میان جوانان، موجب تغییر الگوهای فکری و کاهش پایبندی به باورها و تفکرات سنتی شده است.

تغییر در نظام آموزش تا حدی با نتایج شبان‌پیشه (۱۳۹٤) هم‌راستا است که در پژوهشی نشان داد که پیامدهای تغییرات فرهنگی در حوزۀ فرهنگ مادی، باعث بهبود و ارتقاء سطح زندگی عشایر شده است، بهبود بهداشت، ارتقاء باسوادی و توسعۀ آموزش مدرن، ارتقاء امکانات رفاهی، گسترش تعاملات اجتماعی و افزایش آگاهی باعث می‌شود که آنان از تغییرات فرهنگی ارزیابی مثبتی داشته باشند.همچنین، حاجی‌ناصری و یزدان‌پناه (۱٤۰۰) در پژوهشی نشان دادند که آموزش‌وپرورش عشایری در ایران، متأثر از رویکرد روشنفکران و سیاست‌های دولت نسبت به ایلات، منجر به تغییرات اجتماعی‌ـفرهنگی گسترده‌ای انجامیده است؛ از جمله تمرکز قدرت دولت مرکزی، تضعیف ساختار ایلی و تحول هویت. گسترش تحصیلات نوین نیز به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان، سبک زندگی قشقایی‌ها را به‌طور چشمگیری دگرگون کرده است.

[37] Mumtaj & Sushila

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

تغییر در هویت فرهنگی که با مطالعات بهمنی (١٤٠٢)، جعفرلو (١٤٠٢)، شبان‌پیشه (١٣٩٤)، دره شوری‌پور (١٤٠١)، اینگلهارت (٢٠١٨) و گوها و اسماعیل (٢٠١٥) تا حدودی هم‌راستا می‌باشد. می‌توان استدلال کرد که طی چهار دهه اخیر، هویت قومی و فرهنگی عشایر، به‌ویژه قشقایی‌ها، دستخوش تغییرات اساسی شده است. تقویت شبکه‌های اجتماعی، جهانی‌شدن و تضعیف هویت قومی، همراه با عواملی چون مهاجرت، تغییر شغل، نارضایتی جوانان، تعارضات طایفه‌ای، خشکسالی و دگرگونی سبک زندگی، این تحولات را تشدید کرده است.

تغییرات فرهنگی و قومی ایل قشقایی بر مبنای مباحث نظری قابل تفسیر می‌باشد. اینگلهارت فرهنگ را متأثر از نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های پایدار جوامع می‌داند و معتقد است دگرگونی‌های اقتصادی و تکنولوژیکی به تغییر تدریجی ارزش‌های مادی و فرامادی و نگرش‌های زندگی منجر می‌شود. از نظر وی، فرهنگ آموختنی و متغیر بوده و رابطه‌ای دوسویه با توسعه دارد. گیدنز نیز نقش عوامل فرهنگی، پیشرفت علم و عقلانی‌شدن را در تحول اجتماعی برجسته می‌داند و تأکید می‌کند که در جوامع معاصر، شیوه‌های زندگی بیش از سنت، بر مبنای عقلانیت و اندیشه‌های نو شکل می‌گیرند.

به طور کلی می‌توان گفت پویایی فرهنگی جوامع عشایری، به‌ویژه ایل قشقایی، نتیجه تعامل پیچیده عوامل درونی و برونی است. این جوامع به‌عنوان نظام‌های اجتماعی پویا، تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارند. مدرنیته و جهانی‌شدن، دو نیروی محرک اصلی این تغییرات به شمار می‌روند. مدرنیته از طریق معرفی فناوری‌های نوین، الگوهای اقتصادی جدید و زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تحولات عمیقی ایجاد کرده است. برای نمونه، استفاده از وسایل نقلیه موتوری زمان کوچ را کوتاه‌تر کرده و به تسریع یکجانشینی منجر شده است. این دگرگونی‌ها نه تنها معیشت سنتی را دگرگون ساخته، بلکه ساختار خانوادگی را نیز تغییر داده و به افزایش خانواده‌های هسته‌ای و جدایی خانوارها – به‌ویژه در پی مهاجرت شهری – انجامیده است. این روندها به‌تدریج هویت قومی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جهانی‌شدن نیز با ادغام فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورهای محلی را متأثر ساخته و می‌تواند به تضعیف هویت‌های قومی بیانجامد، هرچند همزمان فرصت‌های نوین تعامل فرهنگی و اقتصادی فراهم می‌آورد. در نهایت، جوامع عشایری قشقایی در مواجهه با این تغییرات سریع، ناگزیر از سازگاری هستند، در حالی که تلاش می‌کنند اصالت فرهنگی خود را حفظ کنند. بررسی این فرآیندهای مستمر، به درک عمیق‌تر سازوکارهای انطباق با تحولات محلی و جهانی و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو کمک شایانی می‌کند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

منابع

۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) **تحول فرهنگی در جامعۀ پیشرفته صنعتی**، ترجمۀ مریم وتر، تهران: کویر.

۲. بهمنی، ساره (۱٤۰۲) «**تحلیل فرهنگی پوشاک و زیورآلات زنان عشایر ایل قشقایی استان فارس با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان**»، رسالۀ دکتری، دانشکدۀ پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان.

۳. جعفرلو، یونس (۱٤۰۲) «**تحلیل جامعه‌شناختی فرهنگ عامیانۀ کوچ‌نشینی در رمان‌هایی با موضوعیّت عشایر قشقایی (مطالعۀ موردی: رمان‌های ظلمت، مهری، ماهی نقره‌ای**»، رسالۀ دکتری، دانشکدۀ علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

۴. حاجی‌ناصری، سعید و میلاد یزدان‌پناه (۱٤۰۰) «تبیین جامعه‌شناختی- نهادی آموزش عشایری در ایران: مطالعۀ موردی ایل قشقایی»، **سیاست**، ۵۱(۲)، ٤٦۰-٤۳۵.

۵. دره‌شوری‌پور، ساناز (۱٤۰۱) «**از اسطوره تا آواز؛ نقش اسطوره در شکل‌گیری موسیقی آوازی ایل قشقایی**»، پایان‌نامۀ کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور تهران شرق.

۶. ریاحی، وحید و آرزو عابدینی‌راد (۱۳۹۰) «اسکان عشایر و بازتاب‌های فرهنگی»، **انسان شناسی (نامۀ انسان شناسی)**، ۹(۱۵): ۲۹-٤۷.

۷. ساعدی، امین الله (۱٤۰۳) «**بررسی عناصر دراماتیک در آیین‌های ایل قشقایی با توجه به نظریۀ ریچارد شکنر**»، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد، گروه ادبیات نمایشی، مؤسسۀ آموزش عالی هنر شیراز.

۸. شبان‌پیشه، فاطمه (۱۳۹٤) «**مطالعۀ تغییرات فرهنگی در عشایر اسکان‌یافته ایل قشقایی (نمونۀ موردی شهرستان فیروزآباد، استان فارس)**»، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی - دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.

۹. شیبانی، عبد الکریم؛ سرفرازی، مهرزاد و الهام قوانلو (۱۳۹۰) «تأثیرات جهانی شدن بر هویت قومی ایل قشقایی»، **مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)**، ۲(۳): ۱۱۱-۱۳۰.

۱۰. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹) **شکل‌گیری هویتی و الگوی محلی، ملی و جهانی در همسازی و تعارض در هویت و قومیت**، تهران: گل آذین.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

۱۱. کیانی، منوچهر (۱۳۷٦) **سیه چادرها: تحقیقی از زندگی مردم ایل قشقایی**، شیراز: کیان نشر.

۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) **جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ حسن چاوشیان. تهران: نی.

13. Botokanova, G., Alybaev, A., & Mursahmedova, G. (2024) «Transformation of the consciousness of post-nomads in the context of globalization». **Trans/Form/Ação**, 47(2), e0240085.

14. Boyd, R., & Richerson, P. J. (2005) **The origin and evolution of cultures**. Oxford: Oxford University Press.

15. Boyd, R., Richerson, P. J., & Henrich, J. (2011) «The cultural niche: Why social learning is essential for human adaptation». **Proceedings of the National Academy of Sciences**, 108(supplement_2), 10918-10925.

16. Caldwell, C. A., Atkinson, M., & Renner, E. (2016) «Experimental approaches to studying cumulative cultural evolution». **Current Directions in Psychological Science**, 25(3), 191-195.

17. Chen, G. M. (2013) «The Impact of New Media on Intercultural Communication in Global Context». **China Media Report Overseas**, 9(1).

18. Chudek, M., Muthukrishna, M., & Henrich, J. (2015) «Cultural evolution». **The handbook of evolutionary psychology**, 2, 749-69.

19. Davies, N. B., Krebs, J. R., & West, S. A. (2012) **An introduction to behavioral ecology** (4th ed.). Oxford, UK: WileyBlackwell.

20. Diamond, J. (1999) **Guns, germs, and steel**. New York: Norton.

21. DiMaggio, P. (1994) «Culture and economy. In N. J. Smelser, & R. Swedberg» (Eds.). **The handbook of economic sociology**. Princeton University Press: Princeton.

22. Dressler, D., & Carns, D. (1969) **Sociology: The study of human interaction**. New York: Alfred A. Knopf.

23. Gelfand, M. J., Raver, J. L., Nishii, L., Leslie, L. M., Lun, J., Lim, B. C., & Yamaguchi, S. (2011) «Differences between tight and loose cultures: A 33-nation study». **Science**, 332(6033), 1100-1104.

24. Guha, S., & Ismail, M. D. (2015) «Socio-cultural changes of tribes and their impacts on environment with special reference to Santhal in West Bengal». **Global Journal of Interdisciplinary Social Sciences**, 4(3), 148-156.

25. Henrich, J. (2001) «Cultural transmission and the diffusion of innovations: Adoption dynamics indicate that biased cultural

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

transmission is the predominate force in behavioral change». **American anthropologis**t, 103(4), 992-1013.

26. Hermans, H. J. M., & Kempen, H. J. G. (1998) «Moving cultures: The perilous problems of cultural dichotomies in a globalizing society». **American Psychologist**, 53, 1111–1120.

27. Hess, J. D. (1994) **the whole world guide to culture learnin**g. Yarmouth: Intercultural Press.

28. Inglehart, R. F. (2018) «Modernization, existential security, and cultural change». **Handbook of advances in culture and psychology**.

29. Inglehart, R., & Baker, W. E. (2000) «Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values». **American sociological review**, 65(1), 19-51.

30. Jamias, J. F. (1993) «The impact of new communication technologies on cultural identity in rural Asia». **Media Asia**, 20(4), 205-207.

31. Jing, L., Xiaoli, M., & Jinhai, Y. (2021) «Changes and Development of Traditional Culture of the Nomadic People–A Case Study on Naadam in Henan County of Qinghai Province in the Qinghai-Tibet Plateau». **International Journal of Business Anthropology**, 11(2), 3-13.

32. McClelland, D. C. (1961) **The achieving society**. Princeton: Van Nostrand.

33. Mio, J. S. (1999) **Key words in multicultural interventions: A dictionary**. Westport: Greenwood Publishing Group.

34. Mumtaj and Sushila (2014) «Factors Responsible for Social Changes in India». **International Research Journal of Commerce Arts and Science**. 5(8):4-15.

35. Oberg, K. (1960) «Cultural shock: Adjustment to new cultural environments». **Practical Anthropology**, 7, 177–182.

36. Oishi, S. (2014) «Socioecological psychology». **Annual review of psychology**, 65(1), 581-609.

37. Petrakis, P. E. (2014) **Culture, growth and economic policy: From the question to exploration**. New York and Heidelberg: Springer.

38. Puttaraja, H., & Heggade, O. D. (2012) «Economic empowerment of tribal women in Karnataka: A case study in Mysore and Chamarajanagara District». **Studies of Tribes and Tribals**, 10(2), 173-181.

39. Roberts, B. W., Walton, K. E., & Viechtbauer, W. (2006) «Patterns of mean-level change in personality traits across the life course: a meta-analysis of longitudinal studies». **Psychological bulletin**, 132(1), 1.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]

40. Talhelm, T., Zhang, X., Oishi, S., Shimin, C., Duan, D., Lan, X., & Kitayama, S. (2014) «Large-scale psychological differences within China explained by rice versus wheat agriculture». **Scienc**e, 344(6184), 603-608.

41. Triandis, H. C. (2009) «Ecological determinants of cultural variation». In R. S. Wyer, C. Chiu, & Y. Hong (Eds.). **Understanding culture: Theory, research and application** (pp. 189–210). New York: Psychology Press.

42. Tugjamba, N., Walkerden, G., & Miller, F. (2023) «Adapting nomadic pastoralism to climate change». **Climatic Change**, 176(4), 28.

43. United Nations (2017) **World population prospects. Key findings and advance tables, Economic and social affairs**. Available at:https://esa.un.org/unpd/wpp/Publications/Files/WPP2017_KeyFindings.pdf.

44. Varnum, M. E., & Grossmann, I. (2017) «Cultural change: The how and the why». **Perspectives on Psychological Science**, 12(6), 956-972.

45. Ward, C., & Kennedy, A. (1992) «Focus of control, mood disturbance and social difficulty during cross-cultural transitions». **International Journal of Intercultural Relations**, 16(2), 175–194.

46. Xia, J. (2009) «Analysis of impact of culture shock on individual psychology». **International Journal of Psychological Studies**, 1(2), 97.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.66224/scds.13.4.31]